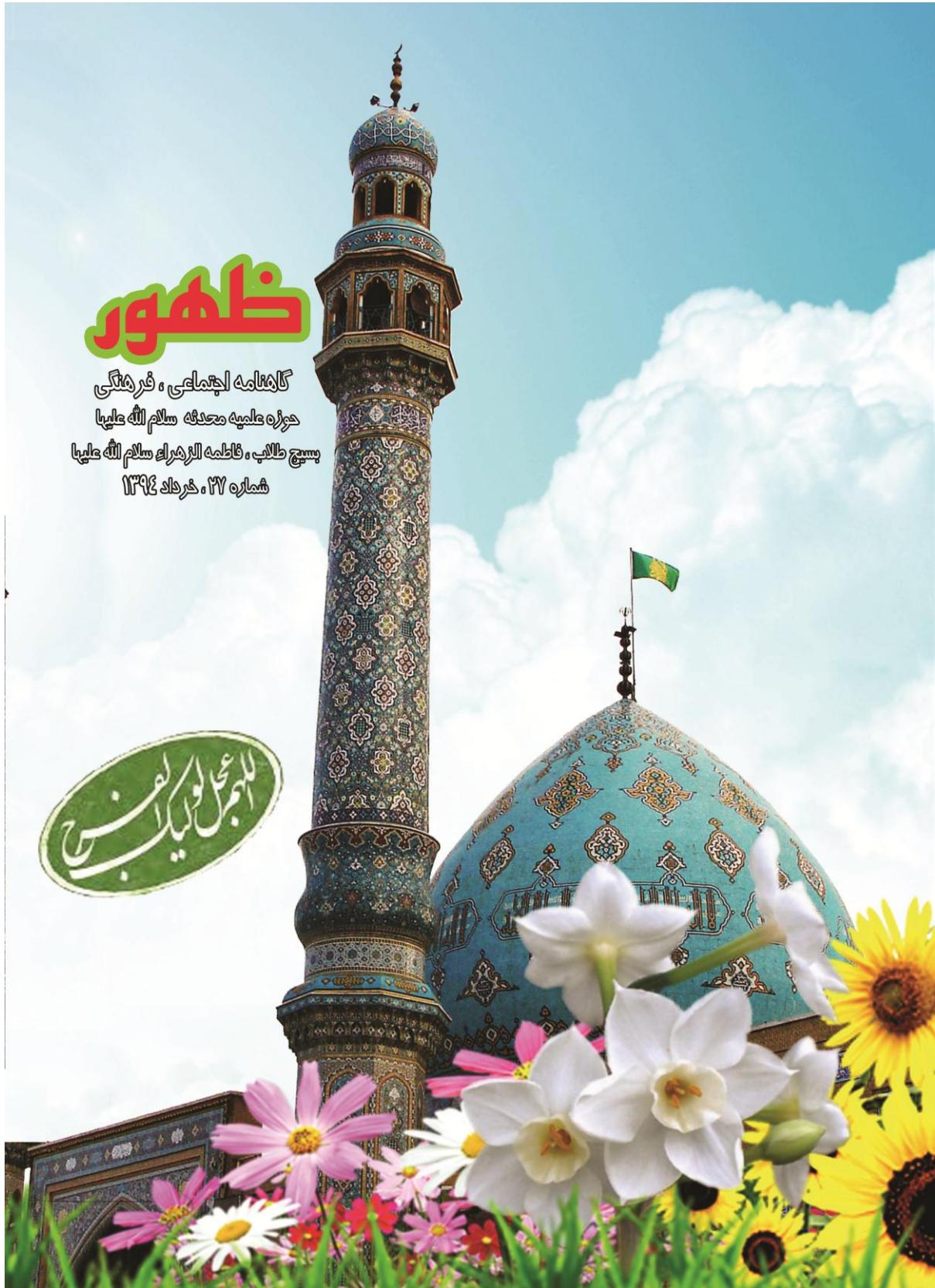


ظهور

کاهنامه اجتماعی، فرهنگی
در روز عالمیه محدثه سلام الله علیها
پسیچ طلب، فاطمه الزهراء سلام الله علیها
شماره ۲۷، خرداد ۱۴۰۴

الْعَجَلُ لِدِيَانِ





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



ظہور

گاہنامہ اجتماعی، فرهنگی

حوزہ علمیہ محدثہ سلام اللہ علیہا
بسیج طلباء، فاطمہ الزہرا عسالم اللہ علیہا

شماره ۲۷۵، خرداد ۱۳۹۴

- ۲ سخن سر دیر
- ۳ نجوا آشنا
- ۱ موعود شناسی
- ۶ در محضر خورشید
- ۷ معرفی سایت
- ۱۰ گزارش
- ۱۳ ریحانہ
- ۱۴ از حوزه چه خبر؟
- ۱۶ احکام و استفتات روز
- ۱۷ در سایه سار ولایت
- ۱۸ فرق و مذاہب
- ۲۱ مصاحبه
- ۲۲ عاقبت بخیران عالم
- ۲۳ معرفی پایان نامه
- ۲۷۵ وظایف و رسالت های زن منتظر

صاحب امتیاز: مدرسه علمیہ محدثہ سلام اللہ علیہا
و پایگاه مقاومت بسیج حضرت فاطمہ زہرا عسالم اللہ علیہا
مدیر مسئول: رقیه رحیمی

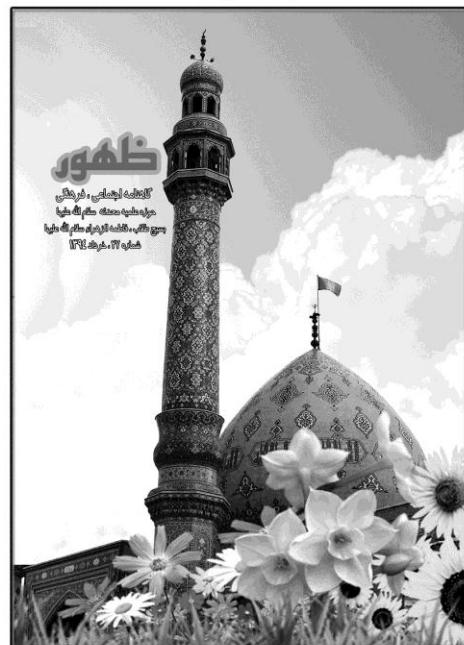
سر دیر: رقیه رحیمی

طراح و صفحه آرائی: ۱. صحرائی

همکاران این شماره: محبوبه ذوالقاری، با تشکر ویژه از
استاد گرانقدر سرکار خانم تجلی

نشریه ظہور در ویرایش مطالب دریافتی آزاد می باشد.

انتقادات و پیشنهادات خود را می توانید با مراجعه به وبلاگ
مدرسه یا شماره تلفن: ۰۹۱۶۸۷۰۶۷۸۱ با ما در میان بگذارید.



مدرسہ علمیہ محدثہ سلام اللہ علیہا

نٹلنی نایت ترویجی:

www.mohadethe.ir

نٹلنی ویڈیو ترویجی:

http://mohadese-boroujerd.womenhc.com

سخن سر دلبر



مخلصانه و عاشقانه و عاجزانه نجوا کنیم:
یا بن الحسن....!

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم
چه بگویم که غم از دل بود چون تو بیایی
در این هیاهوهای ظالمانه و مستکبرانه و اکنون که هر نقطه
از خاک زمین با خون دوستداران علی رنگین شده است و نیاز
به وجود نازنیت بیشتر از هر زمانی احساس می شود، بیا و مرهم
دلهای خسته عاشقانت باش؛ همانهایی که جور یزیدی صفتان
کنونی، آنها را به سته آورده است و اگر نبود امید روشن به
ظهور روشنی بخشت، میل به زندگی هر آینه از درون آنها
رخت برپسته بود. اگر بارقه ای از امید در دل های ماست
همان امید به وصال توست که روزی از راه بررسی و نظم
حقیقی رادر دنیا حاکم کنی....
یا صاحب الزمان....

اندوه به خون غلتیدن کودکان بی گناه یمن، قلبمان را به
درد آورده است....
تونیستی تا خونخواران را همچون حیدر کرار، از صحنه
روزگار محو کنی و ما با بیچارگی فقط کارمان تماشای این
همه جور و ستم شده است و از دستمنان کاری بر نمی آید....
اکنون که سعودی های بزیدی صفت، تاریخ را تکرار کرده
اندو و قاحت و بی شرمی را کاملاً تعریف کرده اند، مردانه قول
می دهیم که گر بیایی در رکاب مقدرانه ات عاشوراییان
مخلصی باشیم....



ساعت ها و روزها و ماه ها همچنان بدون کوچکترین
وقfe ای می گذرد، زمان همچون رود در گذر است و با
ارزش ترین سرمایه ما یعنی نعمت "حمو" در حال کاستن و
افول. حکایت همان پیرمرد یخ فروش را تداعی می کند که
اند کی خوابید و چون برخاست، سرمایه خویش از کف
داده بود و اندوه و حسرت چاره ساز نبود.
امید است این غفلت ها به بیداری تبدیل شوند و زرق
و برقهای دنیوی، ما را چنان شفته خود نکند که چونان
پیرمرد یخ فروش، پس از خوابی عمیق، آنگاه برخیزیم
که عمر عزیز از کف داده باشیم.

اکنون نیز که لحظات طلایی ماه رجب گذشته است
و ایام پربرکت شعبان و اعیاد مبارک شعبانی از راه رسیده
است، حواسمن باشد که بازش رحمت های بی دریغ
الهی را در این ایام و ماه های ارزشمند از دست ندهیم و
ظرف وجودمان را فراتر از همیشه آماده دریافت عنایات
الهی کنیم.

دل ها را آماده کنیم تا در روز میلاد بزرگ ترین
منجی بشر - حضرت صاحب العصر و الزمان - تعجیل
در ظهورش را از درگاه منان الهی بخواهیم تا ظهور
حیات بخش او، الیامی باشد بر دل های دردمدند شیعیان
منتظر مظلومی که جای جای دنیا از ظلم و تزویر و
استبداد گردنشان زمانه به ستوه آمده اند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّٰهُمَّ وَكَرْبَلَةَ نَيْتَ وَصَحَّحْ بِهَا عَنِّي وَكَبَيْرَهُ، وَامْسَأْلُجْ بِهِ مُهْرَبَتَهُ مَا كَسَدَ نَيْتَ»

خدایا بالطف خودت نیت من را عالی ساز و پیشیم را یتین حقیقی قرار بد
[و مکنار پیشیم به شک آگرده شود] و با قدرت خودت راه چیران آنچه را که در
گذشتند خراب کرد ام به من عطا کن [تا آن ها را چیران کنم]

مهربان خالق من...

بنده گنهکارت امسال هم از کنار جویبارهای زلال طهارت به سادگی گذشت.

و اکنون جز حسرت چیزی برای او نمانده است...

لحظات ناب شعبان ها گذشت اما هیچ توشه ای از این لحظات برنگرفت...

روزها و شیهای رجب ها پشت سر هم آمدند و رفتند ولی او همچنان غرق در دنیا و بی توجه به این فرصت ها، در
بی برآوردن حاجات دنیابی اش بود...

رمضان های عزیز با شباهی روشن قدرشان گذشت اما این بنده تو از خواب گران غفلت بیدار نشد که نشد...

عرفه ها و قربان ها هم گذشت... اما... افسوس که فقط بار گناهش سنگین تر شد...

این روزها احساس می کند توان پرگشودن از این دنیای دون و خاکی را ندارد...

این روزها دلتگی تمام وجودش را مالامال کرده است...

اما در این همه نامیدی، بارقه های رحمت تو، نور تازه ای به روحش می بخشید، به مهر تو دلخوش است و به آغوش
بازی که هیچ گاه از گناهکارترین مخلوقات هم دریغ نمی شود...

ای رئوف ترین کریمان و ای پرورنده می من، ای پروردگارم ...

این روزها که به برکت میلاد مردان آسمانیت زمین را به یمن وجودشان حفظ می کنی...

تورا به محبوبت حسین، به علی بن الحسین زین العابدین، به علمدار حسین، ماه زمینی ات...

و به آخرین ذخیره ات حضرت بقیه الله او روحنا فداء

یا عظیم الرجاء درهای همیشه باز آسمان بخشنده ات را که به سوی بندگان روسياهت گشوده است از من مگیر!

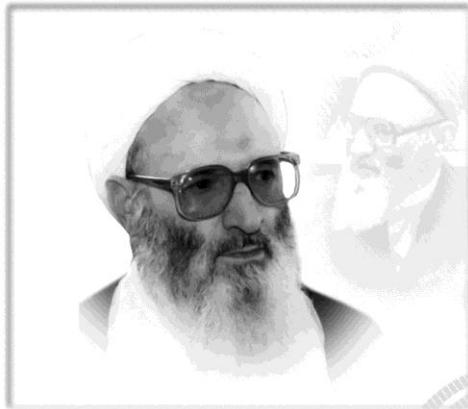
از تو ای همیشه پناه بی پناهان می خواهم که حجاب غفلت و بی خبری را از چهره روح بزدایی...

«اللَّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَّلِّهِ وَكَفِيلِهِ مَا يَكْفِي لِلادِعِيَّمُّ وَلَسَكِيلِهِ بِمَا كَسَلَيْهِ فَلَا يَكْفِيَهُ»





ظهور اتفاق افتاده است



استاد لحظه‌ای تامل کردن و سپس با خنده شیرین و معنا داری به جمع نگاه کرده و با آن لهجه شیرین فرمودند خلاصه عراض حضرات این است که می‌خواهید بفرمایید که ظهور حضرت نزدیک است؟ با تایید دوستان ایشان فرمودند:

همه جا خوردم. اصلاً انتظار چنین مطلبی را از ایشان نداشتم؛ همه مات و متیر این سخن ایشان بودیم و نمیدانستیم چه بگوییم؛ علامه که متوجه تحریر جمع شده بود با بیانی حکیمانه این گونه مطلب را توضیح دادند: برای توضیح مطلب باید مثلی بیان شود. پروگار متعال قواعد عالم ملکوت را نظری و شیوه قواعد عالم ملک قرار داده و عالم تکوین را منطبق با عالم تشریع خلق کرده تا بشر با پی بردن به اسرار و قواعد عالم ملک و تکوین، پی به اسرار ملکوت و تشریع ببرد و از این هماهنگی و شbahت حکمت‌های استفاده کند؛ یکی از این قواعد مسلم و عمومی طبیعت، تدریجی بودن تحولات می‌باشد فی المثل حرکت وضعی زمین و در پی آن طلوع و غروب خورشید یک فرایند تدریجی است. اگر خورشید به یک باره در آسمان زندگی مادی و طبیعی طلوع یا غروب کند در روند حیات اختلال ایجاد می‌شود و هیچ موجود زنده ای قادر به تطبیق خود با تغییر وضعیت نور در میدان حیات نخواهد بود و نظم زندگی به هم می‌ریزد.

خورشید باید به تدریج غروب و طلوع کند تا موجودات تحت تأثیر خورشید بتوانند خود را با تغییر رخ داده تطبیق کرده و حیات به چرخه‌ی نظم خود ادامه دهد؛ نظری همین اتفاق نیز در حیات معنوی و ملکوتی بشر، در حال، اتفاق افتاده است.

در حالی که برخی از دیربازران هیچ دورنمای امیدوار کننده ای را برای نزدیکی ظهور نمی‌بینند بزرگانی مانند علامه حسن زاده آملی با بیاناتی حکیمانه، آنچنان ظهور را ملموس و در دسترس نشان می‌دهند که امید و نیروی مضاعفی برای پیمودن اندک فاصله باقیمانده تا آن دوران طلائی در جامعه منتظر ایجاد می‌نماید، این بیانات برمغز و امیدوار کننده که در سال ۸۰ و در جمع برخی از طلاب محقق و مشتاق ظهور ایراد شده است، از چنان اهمیت بالایی برخوردار است که می‌طلبد منتظران ظهور بارها و بارها با مطالعه، پیرامون آن بیندیشند...

اوائل روزهای سال ۱۳۸۰ با جمعی از دوستان عازم شهر مقدس قسم شدیم. در ایام حضور در قم با محقق بزرگواری آشنا شدیم که در مورد ظهور و نشانه‌های آن تحقیقات گسترده‌ای انجام داده بود و با استدلالهای روایی جالب معتقد بود که ظهور بسیار نزدیک است. نکات علمی سخنان ایشان، هر شنونده‌ای را به تفکر و امیداشت و قضیه فراتر از یک ادعای احساسی و بی‌بنیان بود تا این که در همان ایام، توفیق یار جمع دوستان شد و در صبح یک روز بهاری موفق به حضور در بیت علامه حسن زاده آملی (حفظه الله تعالی) شدیم و از نزدیک این دانشمند گرانقدر را زیارت کردیم. داستان چگونگی حضور در محضر ایشان و ساعتی که در خدمت معظم له بودیم خود جربانی شیرین و درس آموز است که وقت مستقلی برای بیان میخواهد که در این مقاله مختصر نمی‌گجد.

اما آنچه باعث شد آن جلسه برای این حقیر به یاد ماندنی و سرنوشت ساز شود مطرح شدن ماجراهی تحقیق برادر محققمان درمورد ماجراهی ظهور و نشانه‌های آن بود آن طلبه فاضل به تفصیل موضوع را برای حضرت علامه شرح دادند و ایشان با ادب و حوصله مثال زدنی به دقت به سخنان ایشان گوش دادند. همه دوستان حاضر در جلسه لحظه شماری میکردند تا عکس العمل علامه حسن زاده را در قبال مسائل مطرح شده مشاهده کنند... بعد از پایان سخنان برادر



شهر قم، اگر چند طلبه بصورت انفرادی و با هزینه شخصی چند روزی اعتکاف میکردند، می گفتیم الحمد لله معنویت در حوزه پیشرفت کرده، ولی اکنون میبینیم چند هفته قبل از ایام اعتکاف شاهد جوانانی هستیم که چندین شبانه روز و در سخت ترین شرایط و با کم ترین امکانات در مساجد و حرمها معتقد میشوند و عملده هدف خود را خود سازی برای آمادگی ظهور اعلام میکنند. مگر در ایام رژیم گذشته عموم مردم از معارف اهل بیت و ادعیه ایشان اینقدر اطلاع داشتند؟ در روز عرفه در غیر صحرای عرفه شاید خواصی پیدا میشندند که دعای عرفه سید الشهداء را با آن مضامین بلند و عرضی قرائت میکرند؛ اما اکنون چه؟ از ظهر تا عصر عرفه، مساجد، حرمها و خیابانهای اطراف و رسانه ها بسیج می شوند تا میلیونها انسان اعم از نوجوان و جوان و پیر و زن و مرد و عامی و عالم در کارم نشسته و با ناله و تضرع، این دعای به این حجم را قرائت می کنند.

اینها فرج امام زمان نیست، پس چیست؟

زمانی بر این ملت گذشت که حتی در میان خواص کمتر کسی پیدا میشد که بتواند قرآن را از روی مصحف، به درستی قرائت کنده تا چه رسد به در ک معانی و معارف قرآن اما اکنون می بینیم که در سراسر کشور دهها هزار حافظ و قاری قرآن تربیت شده اند که بدنبال در ک حقائق قرآن و عمل به آنها هستند.

آیا اینها جلوه های ظهور نیست؟

نماز جمعه ها، راهپیمایی ها، جهادها و شهادت ها، احیاء مهديه ها و جمکران، اقبال مردم به دعای ندبه ... همه و همه نشان از یک خیزش عظیم و تحولی بی سابقه در تاریخ تشیع و همه جلوه هایی از ظهور صغیری است. انقلاب اسلامی ایران ظهور برنامه ای، شخصیتی و حقوقی حضرت مهدی موعود(عج) بوده و ظهور جهانی و اصلی حضرت، ظهور شخصی و حقيقة ایشان می باشد. هر کس هر کاری میخواهد در دوران ظهور انجام دهد الان شروع کند. چون وقتی فرا رسیده و زمینه اش از هر جهت آمده است.

راوی: حجت الاسلام حسین نژاد

پایگاه فرهنگی اطلاع رسانی حريم یاس

علامه بزرگوار در توضیح این مطلب فرمودند:

امام مقصوم، خورشید آسمان حیات معنوی بشر است و طلوع و غروب ایشان در صحنه حیات پسر تابع قواعدی شبیه قواعد طبیعی خورشید است. اگر مقوله غیبت و ظهور حضرت بطور دقیق و بدون هیچ زمینه ای واقع شود، مسلمان جوامع بشری قاب این تحول شدید را نخواهد داشت.

بدین علت حکمت الهی مقتضی تدریجی بودن این اتفاق عظیم است. با بررسی تاریخ حیات با برکت حضرت در می یابیم که این اتفاق در مورد غیبت حضرت واقع شده است غیر از اینکه حیات سه امام همام قبل از امام عصر(عج) تقریباً به حالت غیبت بوده و نوعی تمرین برای شیعیان برای زندگی مومنانه بدون ارتباط فیزیکی با امام بود.

غیبت حضرت به دو مرحله غیبت صغیری و کبری تقسیم میشود. مرحله غیبت صغیری به مثابه آماده کردن مردم برای غیبت اصلی و طولانی حضرت بوده است.

همین حکمت در دوران ظهور حضرت هم رعایت خواهد شد. بشری که در طول صد ها سال در دل ظلمت زندگی بدون حاکمیت فرهنگ توحیدی- ولایتی نشو و نما پیدا کرده، ظرفیت تحمل ناگهانی نور وجودی که به تعبیر قرآن زمین را اشراق میکند "شرفت الارض بنور ربها..." را ندارد. لذا باید واسطه در این بین وجود داشته باشد بدین معنا که مجالی برای تجلی نور ایشان در وسعت های محدود بوجود آید، که مردم بتوانند خود را برای حضور آن مقام رفع آماده کنند.

سپس آن عارف روشن ضمیر تاملی کرده و با قاطیت، جملاتی فرمودند که باعث شد جمع حاضر به وجود آمده و طوفانی از شادی و سرور در دل و جان حضار پدید آید؛ و آن از این قرار بود:

قرائی و شواهد نشان می دهد انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی
ایران ظهور صغیری حضرت بقیه الله الاعظم و بین الطوغین
حکومت جهانی امام زمان ارواحنا فداه می باشد.

آنگاه این مژده بزرگ را بایان مثال هایی شرح دادند. ایشان فرمودند:

مثلاً این مراسمات عبادی و معنوی را بینید روزی در همین



اَيْنِ حَذِّنْ بِرَأْيِ خُودْ ذَخِيرَهْ كَنْ

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

ما تَقَدَّمَ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَى لَكَ ذُخْرٌ
وَ مَا تُؤَخِّرُهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرٌ^(۱)

ترجمه:

آنچه پیش از خود بفرستی برای تو ذخیره می شود و
آنچه تأخیر بیندلزی فایده اش تنها برای دیگران است و
مسئولیتش متوجه توسط...

شرح کوتاه:

جنون ثروت اندوزی در دنیا امروز بیش از هر وقت دیگر به
چشم می خورد؛ بدون این که حساب کنند هدف اصلی و فلسفه
ثروت چیست؟

آنها که دیوانه وار در فکر جمع ثروتند و حتی کمترین توجهی به
طرق آن از نظر حلال و حرام و ظلم و عدالت ندارند هیچ فکر نمی
کنند ثروتهای کلان رانه با خود می توان برد، نه همه آن را می توان
خورد، جز باری سنگین بر دوش صاحب آن نیست، جمع کردن و
گذاشتن و رفتن، سپس تمام مسئولیت های آن را بدوش کشیدن.



۱. نهج البلاغه

*یکصد و پنجاه درس زندگی
آیت الله ناصر مکارم شیرازی





پایگاه اندیشوران

بر این اساس پایگاه اندیشوران با بهره گیری از این ابزار جدید به عنوان اولین پایگاه خود روزآمد مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی رسما در سال ۱۳۸۷ فعالیت خود را در زمینه معرفی اساتید و محققان حوزوی آغاز نمود.

تعریف:

پایگاه اندیشوران وبگاهی است خود روز آمد که به معرفی محققان و علماء حوزوی، آثار و فعالیت های ایشان و به عنوان نخستین بانک اطلاعات محققان حوزوی در شبکه جهانی اینترنت مشغول به فعالیت می باشد.

پیشینه:

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی به عنوان اولین مرکز ارائه خدمات اینترنتی و با هدف اطلاع رسانی سریع و کارآمد در سال ۱۳۸۱ اقدام به شناسایی و معرفی محققان و اندیشمندان علوم اسلامی حوزوی نمود تا زمینه های دسترسی راحت و سریع مراکز اسلامی و کاربران، به محققان و پژوهشگران حوزوی با گرایش های مختلف و تخصصی علوم اسلامی را به نحو مناسبی فراهم نماید؛ در همین راستا شبکه جهانی اطلاع رسانی نور اقدام به راه اندازی و تأسیس بخشی در پایگاه حوزه www.hawzah.net به نام "صفحات شخصی محققان" نمود تا عهده دار این امر مهم گردد. با راه اندازی این بخش به عنوان بانک اطلاعات شخصی محققان حوزه، میزان قابل توجهی از اطلاعات شخصی محققان و پژوهشگران حوزوی در این قسمت از پایگاه حوزه قرار داده شد و کاربران پایگاه می توانستند با زندگی نامه و آثار علمی مکتوب و فعالیت های پژوهشی آنان آشنا شوند.

مقدمه:

در عصر حاضر که مردم جهان با اینترنت و کاربردهای آن آشنایی نسبی دارند و کار کرد آن را در سراسر زندگی روزمره خویش احساس می کنند؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نیز همسو با این نیاز جهانی، تلاش نموده تا زمینه های مناسب و منابع مورد نیاز جهان تشهی معارف دینی را در فضای مجازی تأمین نموده و به عنوان وظیفه دینی برای تولید علم و محتوای غنی معارف اسلامی، پایگاه هایی با محتوای مناسب و مورد نیاز مخاطبان دینی و قشرهای علمی و فرهنگی راه اندازی نماید.

به همین منظور، این مرکز به عنوان اولین و مهمترین مجموعه فعال در عرصه بهره گیری از تکنولوژی پیشرفته رایانه در تولید نرم افزارهای علوم اسلامی، در طول مسیر حرکت خود نیز مناسب با پیشرفت تکنولوژی و مقتضیات زمان، با بهره گیری از نیروهای متخصص در زمینه وب اقدام به راه اندازی پایگاه اطلاع رسانی تخصصی اندیشوران در فضای مجازی کرده است؛ و از آنجا که بانک های اطلاعاتی، سهم به سزایی را در توجه عموم پژوهشگران و محققان به خود جلب نموده، امروزه بسیاری از مراکز و مؤسسات را بر آن داشته است تا با به کار گیری ابزار جدید روزآمد سازی اطلاعات و به شکلی نو و کارآمد، اطلاعات خود را در اختیار کاربران خود قرار دهند.



پس از مدتی با گسترش اطلاعات و افزایش اسمامی محققان و ایجاد ایده های جدید برای افزودن برخی قسمت ها به این مجموعه و نیز با هدف جمع آوری اطلاعات کاملتری از محققان حوزه و اطلاع رسانی در این زمینه و جلوگیری از صرف هزینه های موازی در زمینه جمع آوری این گونه اطلاعات توسط مراکز مختلف و ایجاد فضای مناسب شبکه ای برای ایجاد ارتباط و پیوند بیشتر کاربران با محققان حوزه و نیز مراکز اسلامی؛ از سال ۱۳۸۶ مکتب اهل بیت(علیهم السلام) تصمیم بر این گرفته شد که بانک اطلاعات صفحات شخصی محققان به صورت یک پایگاه اطلاع رسانی مستقل و خود روز آمد توسط محققین به نام: "پایگاه اندیشوران" www.andishvaran.ir ایجاد شود که پس از فرایند تحلیل و طراحی و مراحل پیاده سازی آن که با همکاری بخش وب معاونت فنی صورت گرفت، در سال ۱۳۸۷ این پایگاه راه اندازی گردید.

پژوهشی و محققان، متناسب با نیازهای جامعه علمی و تحقیقاتی کشور در حوزه دین (علوم اسلامی)، به تبیین و گسترش علوم و دانش های دینی، و نیز تعمیق و توسعه آن در جامعه اطلاعاتی علمی به صورت یک پایگاه اطلاع رسانی تخصصی به فعالیت می پردازد.



این پایگاه برای تحقق این مهم، خود را معهد به:

*محور قرار دادن معارف قرآن و مکتب اهل بیت(علیهم السلام)

*دفاع از حریم تشعی در عرصه گفت و گوی ادیان و مذاهب

*مرزبانی فکری فرهنگی از آرمانها و پیاسداشت میراث گران سنگ

حوزه دانسته، لذاماندهی و اجرای فعالیت های زیر راضوری می داند:

۱. حضور و مشارکت فعال در مراجع سیاست‌گذاری و برنامه

ریزی علمی، به منظور تأمین نیازهای فکری - دینی مدیریت

کلان نظام جامعه اطلاعاتی دینی در فضای اینترنت.

۲. مخاطب شناسی مداوم برای بازیابی نیازها و معضلات فرهنگ

دینی اشار جامعه و هدفمندی و کارآمدسازی تحقیقات اسلامی و

پژوهش های دینی.



ماموریت و اهداف:

پایگاه اندیشوران با ایفای نقش واسط فعال میان مراکز علمی -



سند چشم انداز پایگاه:

پایگاه اندیشوران برای اطلاع رسانی مناسب با نیازهای پژوهشی - تحقیقاتی علوم دینی، و نیز تعمیق و توسعه آن در جامعه اطلاعاتی به صورت یک پایگاه اطلاع رسانی تخصصی در زمینه شناسایی و معرفی محققان و مراکز علوم اسلامی در نظر دارد که در چند مرحله به شرح زیر فعالیت های خود را انجام دهد :

۱. شناسایی و معرفی محققان و پژوهشگران علوم اسلامی و در مراحل بعدی تمام رشته های علوم انسانی برای اطلاع رسانی و دسترسی سریع و آسان به نخبگان و پژوهشگران برتر در تخصص های مختلف علوم انسانی.

۲. شناسایی و معرفی مراکز و موسسات علوم اسلامی که در آن ماهیت، زمینه فعالیت، آثار مکتوب، گروه های علمی، طرح های پژوهشی و خدمات ویژه هر مرکز قابل دسترسی باشد.

۳. ایجاد امکانات ارایه متون مکتوب و چند رسانه ای محققان بر روی صفحات شخصی محققان

۴. برگزاری دوره های آموزشی و ترویجی بهره برداری از صفحات شخصی محققان در مراکز و موسسات علمی و پژوهشی

۵. بستر سازی مناسب برای ارتباطات

قابلیت های پایگاه:

۱. ثبت و مدیریت اطلاعات شخصی
۲. توسط محققان حوزوی در فضای اینترنت
۳. ارائه زندگی نامه، آثار علمی، فعالیت ها و همکاری های علمی - پژوهشی اعضا
۴. دسته بندی محققان بر اساس فهرست : (البایی، تخصص، مراکز و ترکیبی از چند فهرست
۵. قابلیت درج پیوند (Link)، چکیده (Download) نویسی و دریافت آثار ثبت شده
۶. ثبت و مدیریت یادداشت های شخصی
۷. جستجوی ساده و پیشرفته در پایگاه ارسال پیام نوشتن ایین اعضا
۸. اخبار ویژه اندیشوران

- چند جانبه محققان و پژوهشگران با مراکز و کاربران
- شکل گروههای علمی تخصصی برای انجام مناظرات و مباحثات تخصصی علوم و تبادل اندیشه ها
- ایجاد صفحات اخبار و نیازمندی های علمی - پژوهشی ، اطلاع رسانی همایش و جشنواره های علمی
- ایجاد بانک جامع اطلاعات تخصص های علوم حوزوی و دانشگاهی مربوط به حوزه فرهنگ دینی
- تئیه و تولید شبکه اجتماعی متخصصان علوم اسلامی و انسانی در حوزه فرهنگ دینی
- راه اندازی نسخه چندزبانه پایگاه





حوزه‌های دیروز و امروز



پیش دستی علمای گذشته در پاسخ به شبهات رهبر انقلاب در شرح روزآمدی و پیش دستی علمای گذشته در پاسخ به شبهات زمان خود می فرمایند:

«هنوز اشکال کسی که می گفت فقه ندارید از خانه‌اش بیرون نرفته بود که ناگهان یک کتاب عظیم پر فروغ پر تحقیق - به حسب تحقیق آن روز - مبسوط عرضه می گردید. اگر محمد بن زکریای رازی چهار کلمه الحادی بر زبانش جاری می شد، فوراً سید مرتضای رازی در رد او کتاب می نوشت و نمی گذاشت حرف او بی جواب بماند. اگر فلان نویسنده معاند اهل بیت، کتابی می نوشت و حقایق و اعمال شیعه را مسخره می کرد، بالاصله عبدالجلیل راضی قزوینی حقش را کف دستش می گذاشت و کتاب التفضیل را می نوشت. بنابراین هر کسی که در زمینه‌های فقهی و کلامی، به خصوص به شیعه چیزی می گفت، شیعه با قدرت و قوت به زبان علمی به او جواب می داد و سخن تلخ رقیب و حریف و معاند، راه به جایی نمی برد.»

حوزه دیروز از زمان خود جلوتر بود

مقام معظم رهبری در مقایسه بنیه علمی حوزه دیروز با حوزه امروز، حوزه دیروز را در مواجهه با شباهات و چالش‌های زمان خود، روزآمدتر و حتی جلوتر از زمان خود می‌دانند. به اعتقاد ایشان اشکالی که حوزه دیروز ما نداشت و امروز دارد این است که **حوزه دیروز از دنیا زمان خود عقب تر نبود**، بلکه جلوتر هم بود.

محصول علمی حوزه دیروز بیشتر بود

ایشان فراورده‌های علمی علمای گذشته را برای مردم زمان خود حتی از حیث کمی نیز، بیشتر از امروز برآورد می‌کنند و مثال‌هایی در این زمینه ذکر می‌کنند: «شما نگاه کنید علمای ما چقدر محصول علمی و فقهی و کلامی برای مردم زمان خود داشتند. همان عده کمی که در گذشته بودند، کارهای بزرگی انجام دادند. اگر در نیشابور یا بلخ یا هرات یا طوس - که اقصی نقاط دنیای اسلام نسبت به بغداد آن روز بود - چند نفر شیعه زندگی می کردند و سوال فقهی یا کلامی داشتند، شیخ مفید آنان را از بغداد مدادیت و راهنمایی می کرد؛ یعنی شیخ مفید از زمان خودش عقب تر نبود. یا در زمان شیخ طوسی اگر دشمن مکتب اهل بیت علیهم السلام می گفت: "لامصنف لکم؛ شما کتاب و تصنیف ندارید" ، شیخ طوسی خودش به تنهایی وارد میدان می شد و بزرگترین کتاب رجالی را تلخیص می کرد و اختصاصاً یک تصنیف یا کتاب رجالی دیگر می نوشت؛ یعنی بدون معطلی رجال کشی را تلخیص کرد و کتاب رجال و فهرست خود را هم نگاشت.»





می کنید، می بینید که در آن کتاب‌ها، رأی فقهای اهل سنت، با ادله متعدد جواب گفته شده است. فقط کتاب خلاف را نگاه کنید که شیخ طوسی در آنجا فقط به اجماع تمسک کرده است. غالباً استدلال‌های محکم کتب علامه و دیگران و نیز کتاب خود شیخ مبسوط است.»

مثال اسب و اتومبیل

مقام معظم رهبری بارها هشدار داده‌اند که حوزه امروز، از زمان خود عقب افتاده است. ایشان در بیاناتشان این معضل را با ذکر مثالی اینگونه تبیین می‌کنند:

«امروز حوزه علمیه از زمان خودش خیلی عقب است. حساب یک ذره و دو ذره نیست. مثل این است که دو نفر سوار بر اسب، در وادی‌ای همراه یکدیگر بروند و یکی اسبش از دیگری تندروتر باشد و آنکه اسبش کندروتر است، بعداً به اتومبیل دست پیدا کنند. طبیعی است آنکه اسبش تندروتر است، به گرد او هم نمی‌رسد. الان وضعیت اینگونه است. در حال حاضر امواج فقه و فلسفه و کلام و حقوق دنیا را فرا گرفته است. ما وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم با زمان خیلی فاصله داریم.»

کم کاری در زمینه تألیف کتب اخلاقی و علم حقوق
ایشان با استناد به نقل قول یکی از علماء که به سفر فرنگ

رفته بود، این عقب افتادگی حوزه امروز از زمان را حتی به حوزه اخلاق نیز تسری می‌دهند و چنین می‌فرمایند:

«حتی در اخلاق هم اینگونه است. یکی از اعلام حوزه – ادام الله بقائی – که الان در اینجا تشریف دارند، چند سال قبل از این، سفری به انگلستان کرده بودند و در آنجا کتابخانه‌ای را دیده بودند. به من فرمودند:

«یک طبقه از این کتابخانه، کتاب‌های اخلاقی بود که فرنگی‌ها در چند سال اخیر نوشته‌اند!»



ایشان با انتقاد شدید از کم کاری حوزه امروز، در زمینه تألیف کتب اخلاقی، نسبت به کارهای مطالعاتی

ماجرای تألیف کتاب تحفه اثنی عشریه و پاسخ شایسته علمای شیعه

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) با اشاره به ماجرای تألیف کتاب تحفه اثنی عشریه و ردیه‌هایی که از سوی علماء بر آن نگاشته شد، خاطرنشان می‌کنند که تا همین اواخر هم وضعیت این گونه بوده است:

«در هند یک نفر پیدا شد و کتاب تحفه اثنی عشریه را که بر ضد و ذم شیعه و به ظاهر در مدح اهل بیت علیهم السلام بود، نوشت. سید حامد حسین، کتاب عقبات با آن عظمت را در جوابش نوشت و آن طور که به نظرم می‌رسد، شاید حدود ده ردّ بر کتاب تحفه اثنی عشریه نوشته شده است. من فهرستی را نگاه می‌کردم که متعلق به کتب علمای هندی شیعه بود که البته بزرگان و اعلام درجه یک هم در میان آنان بودند. به نظرم ده ردّ شاید هم بیشتر علیه این کتاب نوشتنند. بنابراین حوزه‌های علمیه از زمان خودشان عقب نبودند. یک نفر پیدا می‌شد حرفی را در یک کتاب خطی می‌زد و یک نسخه می‌نوشت و دیگری پخش می‌کرد و دیگری می‌خواند و چهار نفر در طول زمان از آن مطلع می‌شدند، عالم شیعه هم بر می‌داشت همین کار را عیناً جواب می‌داد و گاهی تندتر و سریعتر و بهتر از اقدام می‌کرد و عقب نمی‌ماند.»

توجه به نقد مستدل آرای فقهی اهل سنت در کتاب های علمای شیعه تا زمان شهید اول

ایشان با اشاره به کتب فقهی گذشته، بیان می‌کنند که چطور علمای شیعه تا زمان شهید اول در این کتاب‌ها آرای فقهی علمای اهل سنت را با ادله متعدد رد می‌کردند:

«تا زمان شهید اول کتب فقهی ما مثل کتب علامه و فخر المحققین غالباً متضمن آرای فقهای اهل سنت هم بوده است ولی بعد از آن زمان، کتب شیعه غالباً دیگر آرای اهل سنت را ذکر نمی‌کنند. وقتی شما نگاه



در سده اخیر، معارف و عقاید و کلام، نقش محوری خود را در حوزه‌ها از دست دادند و چونان تفسیر و حدیث در حاشیه‌ی تحصیلی - درسی قرار گرفتند. این جایجایی موجب شد که فراورده‌های حوزه‌های دینی - که عمده‌تا فقهی یا فقه پژوهان بودند - چندان دستی در معارف و عقاید دینی نداشته باشند و نهایت آنکه در سطح کشف المراد، مطالبی را خوانده و یا شنیده باشند.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «بیبینید دیگران چقدر در زمینه فلسفه و کلام و کلام جدید و فلسفه دین و مباحثت دین شناسی و سایر زمینه‌ها، مطلب نوشته‌اند و چقدر کار کرده‌اند؟ ممکن است همه اینها غلط باشد اما بالاخره یک متعاف فکری و موج فکری است که بخشی از فضای ذهن جامعه را شغال خواهد کرد. شما در حال حاضر کجاید؟ چطور می‌خواهید با اینها مقابله کنید؟ کجاست آن عبدالجلیل رازی قزوینی که التقض مناسب این زمان را هم بنویسد؟ و نه یک کتاب، بلکه ده هزار کتاب در این زمینه‌ها نوشته بود».

عدم بهره مندی حوزه از امکانات سخت افزاری دنیای امروز
حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) دنیای امروز را دنیای امواج و کامپیوتر می‌دانند و بخشی از عقب افتادگی حوزه از زمان را مربوط به عدم بهره‌مندی از این ظرفیت‌های جدید می‌دانند و معتقدند:

«امروز دنیا، دنیای امواج است. با امواج و کامپیوتر، همه مفاهیم از این طرف به آن طرف دنیا منتقل می‌شود. الان دورترین کتابخانه‌های دنیا می‌توانند در ظرف مدت پنج دقیقه، مطالب کتابی را که در کتابخانه کنگره آمریکاست، روی صفحه کاغذ خود چاپ کنند. اینگونه، مطالب منتقل می‌شود. ما از این دنیا عقیم، چرا این را منکر شویم. این یک عیب قطعی است که حوزه امروز ما آن را دارد».

گسترده‌ای که غربی‌ها در این زمینه انجام داده‌اند، پرسش‌هایی صریح را مقابل حوزه‌یان قرار می‌دهند: «در این چند سال حوزه علمیه قم، چند کتاب اخلاقی بیرون داده است؟ یک هزار آن، یک ده هزار آن و به گمانه‌نوز هم کمتر از این مقدار باشد. این تازه اخلاق است و می‌دانید غرب با اخلاق سر آشی ندارد. البته کتب اخلاقی آنها بیشتر، فلسفه اخلاق و رد اخلاق و بیان اخلاق غیر معنوی و اخلاق مادی است. ما بعد از معراج السعاده و جامع السعاده در حوزه‌هایمان چه کتابی نوشته‌ایم؟ البته بعدها در چند سال اخیر، چند کتاب اخلاق نوشته شده است؛ چیزی که بشود به عنوان یک کتاب علمی ارائه کرد. عین همین قضیه در حقوق هم مشاهده می‌شود. شما ببینید چقدر در باب حقوق مدنی، حقوق جزا و انواع و اقسام مباحث حقوقی، تحقیقات گوناگون شده است. این کار، هم در غرب و هم در دنیای اسلام غیر شیعه صورت گرفته است. ما در این زمینه‌ها انصافاً باید بگوییم خیلی عقیم. حال، این رشته تخصصی ماست و بیشتر تخصص حوزه‌ها تقریباً فقه است».

به حاشیه رفتن دروس کلام و عقاید در حوزه حوزه‌های شیعی از دیرباز، نه تنها معارف و عقاید را جزو مسئولیت‌های خویش می‌دانستند؛ بلکه با شبهات زمان خویش راه ارتباط می‌جستند، از آن به سرعت اطلاع می‌یافتدند و در صدد نقد و دفاع بر می‌آمدند. متکلمان حوزه‌ی شیعی عقب تر از زمان خود نبودند؛ بلکه همپای شبهات عصر حرکت کردند و در برابر هر تهاجم، دفاعی متقن و سریع را عرضه داشتند. نگاشته های کلامی بزرگوارانی چون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، عبدالجلیل رازی و ...، نمونه صدق این دعوی است. اما متأسفانه این شیوه ادامه نیافت و به ویژه





چهل توصیه آقای قراتی به زوج‌های جوان



- (۲۶) اگه شوهرت گفت : کسی غیر از من با تو ازدواج نمی کرد ! بگو : پس خیلی باید از تو ممنون باشم
 (۲۷) اگه بهت گفت : دوست ندارم ! بهش بگو : عوضش من به تو افتخار می کنم!
 (۲۸) اگه گفت : حوصله تو رو ندارم ! بهش بگو : من غیر از تو کسی رو ندارم!
 (۲۹) اگه گفت : از خانواده ات خوش نمیاد ! بگو : عوضش من خانواده تو رو دوست دارم !
 (۳۰) اگه عصبانی شد ! بگو : منو بیخش !
 (۳۱) گاهی برای مادرشوهرت هدیه بخر !
 (۳۲) در خواست هاتو با ناز و دلبری برآورده کن!
 (۳۳) زور گو نباش !
 (۳۴) سختی کار شوهرت را درک کن!
 (۳۵) او را در مردم داری کمک کن!
 (۳۶) وقتی وارد خونه می شه ، به پیشوازش برو ! دستشو بگیر ! بزار روی صورت!
 (۳۷) هیچ وقت بهش نگو : تو بی عرضه ای !
 (۳۸) لباسشو برash آتو کن که هر وقت خواست عوض کنه معطل نشه!
 (۳۹) وقتی غذا رو سرفه می ذاری به او بگو : نمی دونم خوشت میاد یا نه ؟
 (۴۰) لحظه به لحظه از خداوند کمک بگیر !

- خانم محترم:
 ۱) به شوهرت افتخار کن!
 ۲) کسی را با او مقایسه نکن!
 ۳) اقتدار و غرور او را نشکن!
 ۴) زیبایی او را در عقل او جستجو کن!
 ۵) فناعت پیشه باش!
 ۶) زیباییست را به رخ دیگران نکش!
 ۷) ناز کن اما متکبر نباش!
 ۸) دلبری و فربایی و طنازی پیشه کن!
 ۹) احساسات زیبایی را با اندیشه ای متین همراه کن!
 ۱۰) لجزای نکن که از چشم شوهرت می افقی!
 ۱۱) تمکین کن تا تاج سرشن باشی
 ۱۲) پناهگاه شوهرت باش تا فقط به تو پناهنده بشه!
 ۱۳) زیبایی با سادگی و بی آلایشی برای تو آرامش بخش تر خواهد بود!
 ۱۴) هوس بازی نکن ولی زیبا دوست باش!
 ۱۵) اگر آشپزی را خوب نمی دونی حتما یاد بگیر!
 ۱۶) قبل از رانندگی سازندگی را بیاموز!
 ۱۷) هیچگاه بدون آرایش مقابل شوهرت نشین!
 ۱۸) دهانت را مسواك و خوشبو کن!
 ۱۹) بدنت هیچ وقت بوی عرق نده!
 ۲۰) لباست بوی غذا ندهد!
 ۲۱) موقع آشپزی از پیش بند استفاده کن!
 ۲۲) قبل از شوهرت چشم بر هم نگذار و پیش از او بیدار شو!
 ۲۳) موی تو یکی از دو زیبایی توست ، ازش مراقبت کن
 ۲۴) لبخند قشنگت را در هیچ شرایطی با اخم معاوضه نکن!
 ۲۵) توی رنج هات معناهای زیبا پیدا کن!



چشم میلاد پیام رسان عاشورا

در تاریخ ۳ اسفند ۹۳ جشن میلاد حضرت زینب - پیام رسان عاشورا - با دعوت از بسیجیان شهر و آموزش و پرورش برگزار شد. در این مراسم که با سخنرانی خانم عباسی - از اساتید حوزه همراه بود، ضمن برگزاری مولودی خوانی و اجرای مسابقه، به سه نفر جوایزی اهدا شد.

همچنین در همین روز، برنامه میزبانی تعدادی از دانش آموزان دبیرستانی شهر به عمل آمد. این دانش آموزان با دعوت حوزه محدث و به منظور آشنایی بیشتر با تعلیم و تعلم و آداب آن در محیط حوزه و در زمان ثبت نام داوطلبان سطح دو حوزه، از حوزه محدثه دیدن کردند!

لایل لک بر

نشست سیاسی

در دهه سوم بهمن ماه نشست سیاسی با حضور سرهنگ بیاتی و با موضوع "علت ماندگاری انقلاب" برگزار شد.

سرهنگ بیاتی راز اصلی ماندگاری انقلاب را خدایی بودن انقلاب و اهداف آن عنوان کرد. وی با اشاره به فدایکاری ها و گذشت های مردمی برای پیروزی نهضت انقلاب اسلامی، عقیده مقدس را رکن مهم در پیروزی هر نهضتی عنوان کرد.

همچنین جشن انقلاب با سخنرانی سرکار خانم رازجو - مدیر حوزه علمیه محدثه - برگزار شد.

خانم رازجو با استناد به کتاب "آین دانشوری امام خمینی (ره)" به برسی و شرح زندگی نامه امام در دوران قبل از انقلاب پرداخت. وی افزود منش امام در این دوران بهترین الگوی رفتاری طلاق است.

برگزاری کلاس طب سنتی و درمان طبیعی

در تاریخ ۱۱ اسفند ماه ۹۳ جلسه ای با حضور دکتر مصطفایی برگزار شد.

موضوع این جلسه "طب سنتی و درمان طبیعی و مزاج شناسی" بود که طی آن سخنران ضمن معروفی مزایای درمان به وسیله طب سنتی و آثار مخرب داروهای شیمیایی به روی بدن، به تعریف مزاجها و بیان ویژگیهای آن پرداخت و به طلاق توصیه نمود که ضمن استفاده خود از درمان طبیعی و سنتی، خانواده هایشان را به استفاده از داروهای گیاهی و البته متناسب با مزاج و طبیعت افراد، تشویق نمایند.

برگزاری کلاسی اخلاق پاکنده خودسازی

در تاریخ ۳۰ بهمن ماه ۹۳ کلاس اخلاقی با موضوع "خودسازی" توسط سرکار خانم تجلی برگزار شد.

خانم تجلی با اشاره به شأن و مقام تبلیغی طلاق، اذعان کرد که طلبه ای در امر تبلیغ موقق خواهد شد که خودسازی را از خود آغاز کرده و سپس آن را به جامعه و محیط اطراف خود منتقل کند وی با اشاره به نقش "نقوا" در امر خودسازی، تأکید کرد که یک طلبه در همان اوان طلبگی انجام واجبات و ترک محرمات را در خود نهادینه سازد و دغدغه ای او در خودسازی می باشد امور مستحب و پرهیز از مکروهات باشد.





پرگزاري هينگري ذي طلبي

در تاريخ ۳۱ فروردین ميزگرد اخلاقى طلاب با محوريت اخلاق و رفتار و برخوردهای اجتماعی طلاب و با موضوع "ذی طلبي" برگزار شد. در اين نشست طلاب به بيان نظرات و تجربه های شخصی در برخوردار با افراد خانواده و اجتماع پرداختند. و رعایت شئونات طلبي و حفظ شانست طلبي را در برخوردها مورد بحث قرار دادند.

پرگزاري پرسماן "احکام اعتکاف"

در تاريخ ۲ اردیبهشت سال جاري کلاس آموزشی ویژه احکام اعتکاف توسط خانم مهدیان برگزار شد. در این جلسه خانم مهدیان با اشاره به فضایل اعتکاف و نزدیک بودن زمان آن، احکام اعتکاف را مرور کردندا تا طلاب شرکت کننده در این برنامه معنوی با آمادگی بیشتری پاسخگوی سوالات معتقدین باشند.



پرگزاري جلسه پرسمان "خانواده پویا"

در تاريخ ۱۸ اسفند ۹۳ مشاوره عمومی طلاب با سخنرانی خانم سمیعی - مشاور مدرسه و معاون فرهنگی - و با موضوع "خانواده پویا" برگزار شد. خانم سمیعی ضمن بیان روایات مربوط با بحث، به موضوع انتخاب همسر، آئین همسرداری و تاثیرات رفتارهای متقابل منفی و مثبت در حفظ و یا از هم گسیختگی خانواده ها پرداخت.

اردوی ذیارتی قم - چمکران

در تاريخ ۲۰ فروردین ۹۴ اردوی فرهنگی و زیارتی قم - چمکران با شرکت تعدادی از طلاب برگزار شد. طلاب شرکت کننده، ۵۲ نفر از برترین ها و فعالان فرهنگی بودند که با برگزاری این برنامه معنوی مورد تشویق قرار گرفتند. همچنین در این روز ۳۰ نفر از طلاب در برنامه تکریم سالمندان موسسه برکتی شرکت کردند. در این برنامه طلاب با سالمندان این موسسه دیدار کردند.

پرگزاري جلسه "مخاطب شناسی در امر تبلیغ"

در تاريخ ۲۸ فروردین ماه سال جاري کلاس آموزشی سرکار خانم تجلی با موضوع "مخاطب شناسی در امر تبلیغ" برگزار شد. خانم تجلی با اشاره به ضرورت شناخت مخاطب در امر تبلیغ به بررسی روشهای شناسایی مخاطبان و شیوه های برخورد با مخاطبان خاص پرداخت.

اهدایی-عضو



حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی):

اگر استفاده از اعضای بدن بیماران مذکور برای معالجه بیماران دیگر، باعث تسریع در مرگ و قطع حیات آنان شود جایز نیست، در غیر این صورت اگر عمل مزبور با اذن قبلی وی صورت بگیرد و یا نجات نفس محترمی متوقف بر آن عضو مورد نیاز باشد، اشکال ندارد.

س: قطع اعضای غیر رئیسه از شخص زنده چه حکمی دارد؟

ج) اگر حفظ نفس محترمی موقوف بر آن باشد جایز است.

س: قطع اعضای مرده در صورتهای ذیل چه حکمی دارد؟

۱: وصیت کرده بر اینکه اعضای او را پس از مرگ برای پیوند جدا کنند؟

ج) با اجازه ولی میت مانع ندارد.

۲: وصیت نکرده ولی حفظ جان مسلمان بر آن متوقف است؟

ج) در این صورت اشکالی نیست.

س: پول گرفتن در برابر اعضای جدا شده چه حکمی دارد؟

ج) مانع ندارد و میتواند در مقابل واگذاری حق اختصاص یا در مقابل اجازه دادن، پول بگیرد.

س: پس از پیوند عضو، حکم آن از نظر طهارت و نجاست در حالات زیر چگونه است؟

الف) در ابتدای عمل جراحی که پیوند صدرصد برقرار نشده است.

ب) با گذشت زمان که پیوند صدرصد برقرار شده است.

ج: الف) اگر هنوز میته باشد، نجس است.

ب) چنانچه صدق میته به آن نکند، پاک است.

س: آیا انتقال خون بین مسلمان و غیرمسلمان، جایز است یا نه؟
ج) جایز است.

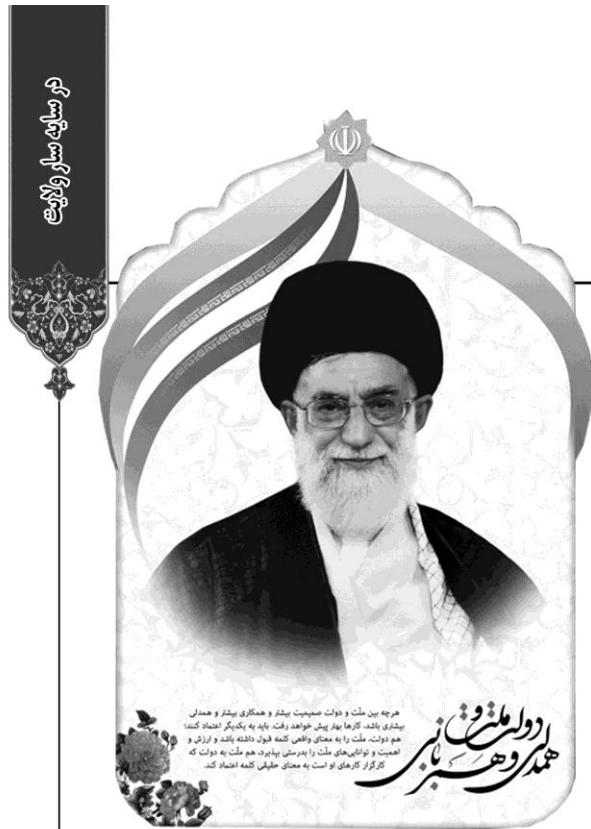
س: فروش خون چه حکمی دارد؟
ج) با فرض اینکه انتقال خون دارای منفعت عقلایی است فروش آن مانع ندارد.

س: با توجه به اتفاق فقها در حکم "حرمت اضرار به نفس" مبنای حکم جواز "پیوند اعضاء" چیست؟ چنانچه مبنای این حکم اهمیت "حفظ جان مسلمان" در برابر "حرمت اضرار به نفس" باشد، این سؤال مطرح می‌شود که اگر شخص اهدا کننده عضو شیعه و شخص گیرنده عضو، غیر شیعه یا غیر مسلم باشد، آیا باز هم "حفظ جان چنین شخصی" از "اضرار به نفس یک شیعه" مهمتر است؟

ج) مطلق اضرار به نفس دلیل بر حرمت ندارد و اهدای عضو جهت پیوند به بدن شخص دیگر از مصادیق اضرار به نفس به نحو کلی نیست زیرا ممکن است برای کثیری از افراد ضرر به همواه نداشته باشد و در اهدای عضو جهت پیوند فرقی نیست که گیرنده مسلمان یا مذهب باشد یا غیر مسلمان، و اگر نجات جان گیرنده مسلمان متوقف بر پیوند عضو باشد چنانچه برای دهنده ضرر معتبره نداشته باشد چه بسا واجب است که اهدا کند و یا بفروشد.



-«فرصت-همدای»-



باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی های ملت را بدرستی پیذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کنند. لذا به نظر من امسال را باید سال همکاری های گسترده‌ی دولت و ملت دانست؛ من این شعار را برای امسال انتخاب کردم:

«دولت و ملت، همدلی و همزبانی»

امیدواریم این شعار در عمل تحقق پیدا کند و هر دو کفه‌ی این شعار، یعنی ملت عزیزان، ملت بزرگمان، ملت با همت و با شجاعتمان، ملت بصیر و دانایمان، و همچنین دولت خدمتگزار بتوانند به این شعار به معنای حقیقی کلمه عمل بکنند و آثار و نتایج آن را بینند.

از خداوند متعال پیشرفت همه‌ی کارهای بزرگ کشور را درخواست میکیم و توفیق خودمان را در خدمتگزاری از خدای متعال مسئلت می‌کنیم.

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

قسمتی از پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب سال ۱۳۹۶

و اما در سال ۹۴ آرزوهای بزرگی برای ملت عزیزان داریم که همه‌ی این آرزوها هم دست یافتنی است. آرزوهای بزرگ ما برای ملت در این سال، پیشرفت اقتصادی است؛ اقتدار و عزت منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ جهشاهی علمی به معنای واقعی است؛ عدالت قضائی و اقتصادی است؛ و ایمان و معنویت است که از همه مهمن تو و پشتونهای همه‌ی آن سرفصل‌های دیگر است. به نظر ما همه‌ی این خواسته‌ها و آرزوها دست یافتنی است؛ هیچ کدام از آنها چیزهایی نیست که از ظرفیت ملت ایران و ظرفیت سیاستهای نظام بیرون باشد. ظرفیت‌های ما بسیار زیاد است؛ در این زمینه حرفاًی اگفتاری وجود دارد که انشاء الله به مهم‌ترین آنها اشاره خواهد شد.

آنچه در این ساعت مایل به ملت عزیزان عرض کنم این است که این ظرفیت عظیم و مهم دست یافتنی است ولی شروطی دارد؛ یکی از مهم‌ترین شروط عبارت است از همکاری‌های صمیمانه میان ملت و دولت؛ اگر این همکاری صمیمانه از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه‌ی آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزان به چشم خواهند دید. دولت، کارگزار ملت است؛ و ملت، کارفرومانی دولت است. هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت.

باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی های ملت را بدرستی پیذیرد. هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کنند. یکدیگر اعتماد کنند.



انصار الله یمن - چنیش الحوثی

بر یمن با افت و خیزهای بسیاری مواجه شد اما با سقوط عثمانی‌ها، زمینه برای حاکمیت مجدد زیدی‌ها در یمن بدون دغدغه و نگرانی فراهم شد و تا سال ۱۹۶۴ میلادی حکومت در دست زیدی‌ها بود تا اینکه در این سال در یمن اعلام جمهوری شد.

از حیث اعتقادات، زیدی‌ها در بسیاری از معتقدات دینی و مذهبی با شیعیان دوازده امامی مشترک هستند و مراسم عاشورا و جشن‌های عید غدیر را به طور گسترده برگزار کرده و گرامی می‌دارند.

شیعیان زیدی ساکنان اصلی استان صعده، در شمال غربی یمن و همچنین دیگر مناطق این کشور، شیعه پنج امامی و معتقد به امامت زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب عليهم السلام هستند.

حضرت "زید بن علی" سلام الله عليه که فرزند امام سجاد علیه السلام بود، خود را امام نمی‌دانست اما به خونخواری مظلومان عاشورا قیام کرد و اکنون، پیروانش، وی را به عنوان امام پنجم می‌شناستند و به همین دلیل «زیدیه» نامیده می‌شوند.

عقاید خاص حضرت زید بن علی علیه السلام از جمله قیام و خروج علیه ظالمان در هر شرایطی و امکان قیام علیه ظلم بدون برخورداری از علم غیب و عصمت، سبب شد با اینکه خود مدعی امامت نباشد، اما پیروانش او را امام بداند.

شیعیان یمن به دو گروه بزرگ زیدی و اثنی عشری تقسیم می‌شوند. تا سال ۱۹۶۰ میلادی حکومت یمن توسط شیعیان اداره می‌شد که بر اثر توطنه کشورهای خارجی به خصوص مصر، با کودتا از قدرت برکنار شدند. از این زمان بود که بیشترین ظلم بر شیعیان یمن روا شد. حتی به آنان اجازه برگزاری ایعاد مذهبی مانند عید فطر یا غدیر را هم نمی‌دادند. اما شیعیان نیز بیکار نبودند

نگاهی به تاریخچه شیعیان یمن

طایفه شیعه یکی از بزرگترین طوائف یمن است که حدود نیمی از جمعیت یمن را تشکیل می‌دهد. شیعیان یمن توسط حضرت علی بن ایطالب علیه السلام که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبلیغ به این منطقه رفته بودند، به اسلام گرویدند. شیعیان یمن دیانت خود را مدیون امام علی علیه السلام می‌دانند و همواره از حامیان عترت گرامی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند.

«جارودیه»، «سلیمانیه» و «صالحیه» سه شاخه اصلی زیدیه هستند که از آن شاخه‌های دیگری مانند «هادویه» و «قاسمیه» در یمن شکل گرفتند که همه این شاخه‌ها از نزدیک‌ترین شاخه‌ها به شیعیان دوازده‌امامی به شمار می‌آیند و خاندان "الحوثی" از پیروان شاخه جارودیه هستند که البته برخی از آنان به مذهب دوازده امامی گرویده‌اند.



تشکیل حکومت زیدیه در یمن

اولین حکومت زیدیه در یمن توسط «یحیی بن حسین» رهبر فرقه «هادویه» در سال ۲۸۴ هـ ق در صعده یمن و پس از ترویج و اشاعه مذهب هادویه در این استان تشکیل شد. حکومت زیدی‌ها با تسلط عثمانی‌ها





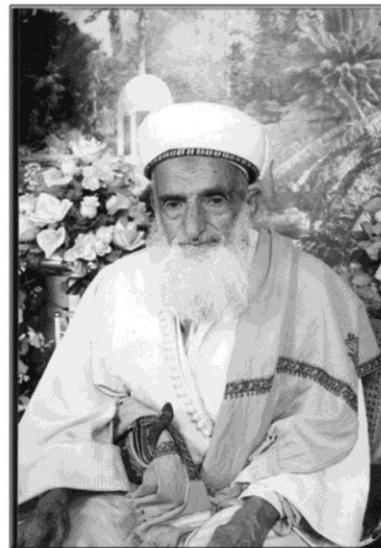
اویس خمینی

شد. متأسفانه این سفر هنگامی محقق شد که امام خمینی رحلت کرده بودند. او که مدت کوتاهی در حوزه علمیه قم تحصیل کرد، به شدت تحت تاثیر افکار و عقاید امام خمینی (ره) قرار گرفت و در بازگشت به یمن هم مرتباً از امام سخن می گفت و از ضرورت وحدت شیعیان (با) نقطه مشترک انقلابی گری) تا هدف اصلی خود یعنی آزادی قدس و نابودی استکبار جهانی را محقق کنند. اما دیکتاتوری علی عبدالله صالح که او را خطری برای خود می دید، تصمیم به سرکوب سخت جنبش انصار الله گرفت. ایشان در سال ۲۰۰۴ به همراه تمامی یگان نظامی جنبش (که کمتر از ۲۰۰ نفر بودند) به شهادت رسیدند.

شهادت ایشان تاثیر عظیمی بر شیعیان گذاشت و بستر فرهنگی عظیمی که با زحمت علامه بدرالدین به وجود آمده بود، به خروش درآمد و با وجود ۶ جنگ سخت علیه تنها استان شیعه نشین یمن یعنی صعده (که به جنگهای صudedه معروف است) شکست نخورد. در جنگ ششم صudedه یگان نظامی جنبش انصار الله حدود ۱۲۰۰۰ نیرو داشت!!! یعنی در کمتر از ۵ سال این نیروها ۶۰۰ شده بودند!!!



و با برنامه ریزی برای ایجاد حرکتی فرهنگی عظیم به رهبری سید بدرالدین الحوئی، مرجع بزرگ شیعیان یمن به پیش می رفتند. تمامی اعضای خاندان حوثی، عالمان برجسته دینی اند که مردم یمن به قدری به آنها اعتقاد دارند که برای حاجت روا شدن بر مقبره آنان حاضر می شوند.



مرحوم علامه سید بدر الدین الحوئی

ایشان با تشکیل گروه جوانان مومن (شباب المؤمنين) تاثیر عظیمی بر فرهنگ شیعیان گذاشتند. دولت مرکزی که قدرت و منفعت خود را در خطر می دید، گروهی از اعضارا با تهدید و تطمیع از علامه جدا کرد، ولی اکثریت اعضا به علامه و پسرش سید حسین الحوئی پیوستند که عملاً موجب تغییر اسم آن به الحوئی شد.

علامه که یکبار به ایران سفر کرده و از نزدیک با انقلاب اسلامی ایران آشنا شده بود، به پرسش نیز پیشنهاد مسافرت به ایران را داد که با پاسخ مثبت حسین روبرو



سرانجام در سال ۱۳۹۲ دولت موقت پیکر شهید حسین الحوشی را تحويل جنبش انصار الله داد که در جمع چند میلیونی مردم به خاک سپرده شد.



تشییع پیکر چند میلیونی شهید حسین الحوشی در سال ۱۳۹۲
هم اکنون رهبری این جنبش بر عهده سید عبدالملک الحوشی، فرزند "سید بدرالدین الحوشی" و برادر کوچک شهید "سید حسین الحوشی" و متولد سال ۱۹۸۲ میلادی است که پس از شهادت برادرش که بنیان‌گذار جنبش «انصار الله» بود رهبری این جنبش را از ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴ میلادی و در دور دوم جنگ‌های رژیم مخلوع زنگال علی عبدالله صالح با رزم‌گان شیعه صعده، در دست گرفته است. در این مدت انقلاب یمن به پیروزی رسید و علی عبدالله صالح از قدرت برکنارشد و دولت موقت بر سر کار آمد. (هر چند که مهره‌های دولتی هیچ تغییری نکردند)

سید عبدالملک تا سال ۲۰۰۶ میلادی و آغاز دور سوم جنگ‌های شیعیان شمال یمن با دولت، هیچ گاه به عنوان یک رهبر ظاهر نشد و تا این مدت کمتر در انتظار عمومی ظاهر می‌شد.

سید در صاحب‌های که در نوامبر سال ۲۰۰۸ میلادی با روزنامه لبنانی «الدیار» داشت در پاسخ به درخواست مصاحبه کننده برای معرفی خود، گفت: هم اکنون (سال ۲۰۰۸ میلادی) ۲۸ سال دارم. آموزش‌های دینی و مذهبی خود را در مدارس دینی و مذهبی زادگاهم فرا

گرفتم و در خانواده‌ای کم‌درآمد، اما آرام، نشو و نما یافتم و همانند خانواده‌ام به امور و مسائل منطقه‌ای و بین المللی توجه بسیاری داشتم و آنها را پیگیری می‌کردم. متأهل و دارای فرزندانی هستم. بخشی از دوره کودکی خود را در منطقه «مران» از توابع استان «صعده» در شمال غربی یمن و بخش دیگر این دوره را در منطقه «جمعة بن فاصل» از توابع ناحیه «حیدان» در صعده سپری کردم و دوره جوانی ام نیز در همین منطقه گذشت.

سید عبدالملک الحوشی، رهبر فعلی جنبش انصار الله، به دلیل دارا بودن شخصیت قوی، پس از شهادت برادرش حسین، به رغم حضور برادر بزرگ‌ترش یعنی "سید یحيی" ۲۰۰۴، به رهبری این جنبش برگزیده شد و از سال تاکنون توانسته است با کمک برخی از همفکران برادرش در جنبش «الشباب المؤمنین»، جنبش بزرگ «انصار الله» را هدایت و رهبری کند.

منبع:

<http://www.mashreghnews.ir>
<http://moqawema.blogfa.com>

ویژگی‌های یک طلیبه موفق

وچه دانشی از فهم علوم الهی و تفسیر قرآن و اخلاق قرآنی
والهیات و آشنایی با سیره وزندگی^{۱۴} مخصوص که سعادتمندان
واقعی دنیا و آخرت و الگویی ما شیعیان هستند و آشنایی با
احکام و اعمال و عبادات روزمره که گاهی در شبانه روز
بارها به هر کدام از آن اعمال نیاز مکرر پیدا می‌کنیم؛ بهتر

است که انسان خود آن را از این سفره
خانه بزرگ الهی محروم نکند و به قول
امام خمینی (قدس سرہ الشریف) قرآن «مأدبة الله»
است. از این رو احساس نیاز کردم که حتی
از این علوم بهره مند گرم.

شاید از رهگذر یادگیری این علوم
بتوان یک شیعه واقعی برای اهل بیت
عصمت و طهارت، انشالله قرار بگیرم؛ شاید
اگر هزار بار دیگر از خدایم عمر بگیرم
حوزه علمیه را التخاب میکنم چون عنایات
ذوات مقدسه مخصوصین مخصوصاً آقا
صاحب الزمان (عج) به سریانش و

شاگردان مکتب اهل البیت را در حوزه علمیه تاج افتخاری بر سر
تک تک طلبیه ها میدانم و این را بزرگترین نعمتی میدانم که به
تک تک طلبیه ها داده شده که نمایندگان احیای مکتب اهل البیت
(علیهم السلام) و قرآن کریم هستند. ذکر شیرینی های درس
خواندن در حوزه اصلاح در این مجال نمی گنجد؛ نمیدانم شاید

اگر قبل از حوزه دروس دانشگاهی رانمی خواندم آنقدر تعزم
شیرین دروس حوزه کامم را شیرین و جاتم راحلاوت
نمی بخشید، خاطره ای یاد می‌آید؛ وقتی که کتاب تفسیر
قرآن استاد شهید مطهری که جزء دروس تحصیلی حوزه مان

بود به پایان رسید در حالیکه چشمانم از اشک خیس شده بود

و قطرات اشک در صفحات پایانی کتاب، کاغذ کتاب را

خیس کرده بود و با امضایی در صفحه آخر کتاب نوشتم

استاد عزیز خداوند شمارادر اعلی علین جای دهد که کویر

تشنه وجودم را از معارف قرآن و اهل البیت سیراب کردید و

لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

اینجانب شیدا تجلی هستم که حدود ۲ سال است نام شناسنامه
ای خود را به فاطمه تغییر داده ام به امید اینکه بتوانم رهرو فاطمه
زهرا اسلام الله علیها باشم و صاحب دو فرزند به نام های زهرا و
طاهره هستم.

لطفاً سابقه تحصیل و تدریس خود را بیان کنید؟

اینجانب بعد از گرفتن دیپلم تجربی وارد داشکده
پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی رشت شدم
و به مدت ۴ سال رشته کارشناسی مامایی را به اتمام
رساندم و پس از آن وارد حوزه علمیه جامعه الزهراء
قم شدم و لیسانس یا همان سطح دو را به اتمام رساندم
و پس از آن کارشناسی ارشد یا سطح سه حوزه را با
معدل الف به پایان رساندم و حدود ۸ سال است در
دانشگاه آزاد اسلامی و حدود ۳ سال است در حوزه
علمیه محدث شهرستان بروجرد مشغول به تدریس هستم
و آن طور که یاد می‌آید اولین کلاس هایم را با
توجه به مدرک قرآنی که داشتم برای بجهه های
مسجد محل زندگی ام برگزار میکردم و کم کم وارد تدریس
برای بزرگسالان شدم. ولی همیشه از خدمت به محضر قرآن
کریم لذت بردم و آن را افتخاری میدانستم که توفیق آن نصیب
من شده است.

با توجه به اینکه شما قبل از رشته دیگری (مامایی) تحصیل کوده اید
چگونه شد که وارد حوزه علمیه شدید؟

یادگیری و تحصیل در همه علوم و اقسام آن برای انسان رشد
ایجاد می‌کند و در اسلام به آن توصیه شده، ولی یادگیری اشرف
علوم که علوم الهی است مخصوصاً سفارش شده و تاکید
خاصی روی آن شده. چون یادگیری این علوم مقدمه
سعادت دنیوی و اخروی و ابدی انسان را فراهم می‌کند.

به گفته شاعر:

خواهی گر به کوی سعادت سفر کنی

باید که کسب دانش و فضل و هنر کنی





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



جان تازه به کالبد مرده وجودم بخشیدید، ای کاش همه مطلب
ها بتوانیم آن قدر خودمان رشد کیم که سالهای سال پس از
رحلتمان هم جانهای تشنۀ علوم الهی با قلم زدن هایمان سیراب
شود ان شالله.

چنونه بین زندگی مشترک و تحصیل و پژوهش و تدریس (در
زندگی شغلی و زندگی شخصی) خود توازن ایجاد کرده اید؟
بسیار مشکل است؛ حقوق همسر، فرزندان، خانواده همسرو
خانواده خودت بر دوشت سنگینی می کند و باید تلاش کنی
که این حقوق ادا شود در عین حال درس خواندن،
تدریس، پژوهش، تبلیغ هم بایستی انجام شود. نمیدانم ولی
گاهی احساس می کنم خداوند به هر کس که دینش را یاری
کند، یاری میکند «...إِنَّ تَصْرُوا إِلَهٌ يَنْصُرُكُمْ وَيَثْبِتُ
أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)

تبليغ را از چه زمانی شروع کرده ايد؟

من از همان سالهای اول طلبگی ام کار تبلیغ را شروع کرده
ام و شاید اولین بار از مراسmi که در منزل یکی از دوستانم
بود شروع کردم ولی اوائل برايم بسیار سخت بود؛ گاهی
طرز نگاه مخاطبان از ناشیانه سخنرانی کردند مرا آزار
من داد و مرا برای همیشه از سخنرانی و تبلیغ پشیمان
من کرد ولی وظیفه ای بر دوشم احساس می کردم که
باید پیام قرآن و دین را به گوش انسانها برسانم تا
بتوانم رضایت خدارا جلب کنم و امام زمان را یاری کنم؛
آن وقت می توانم طلبه ای باشم که نام طلبه یعنی طالب
رضای دوست را با خود حمل کنم و این نام پر مسئولیت را بر
خود بگذارم؛ گاه می شد که چون در شهر محل زندگی مان
کسی مرا به عنوان مبلغ نمی شناخت اگر همسایه هایمان چند
روز روضه داشتند اعلام آمادگی می کردم برای مجلسشان
سخنرانی میکردم و با هر زحمتی بود با وجود فرزند و شوهر
خود را آماده می کردم و وقتی در برخی روضه ها شرکت می
کردم و می دیدم یک مداد پیر سخنان نامفهومی بر زبان
میآورد و زنان و دختران زیادی شاید یک ساعت در آن
جلسه می نشستند و آن خانم یا آقا گاها کم سواد چند خط

شعرعنوان روپه میخواند و میرفت این احساس مستولیت برای
سخنرانی و نشر معارف دین بیشتر روی شانه هایم سنگینی می کرد
که چرا برخی روپه هایمان شور حسینی دارد ولی شور حسینی
اش کم است. چرا که بزرگان فرموده اند: شور و شور حسینی
باید در مجالس روپه همراه هم باشد تا دین در قالب این
روپه ها از نسل به نسل بعد منتقل شود. امام خمینی (قدس
سره الشریف) فرموده اند این محرم و صفر است که اسلام را
زنده نگه داشته است. گاهی برخی مجالس روپه آقدار برای
من مذهبی کسل کننده و خسته کننده بود که خود را وقی
جای یک جوان بی تفاوت از نظر مذهبی می گذاشتم می دیدم
شاید دیگر تا آخر عمر در هیچ مجلس روپه ای تمایل به
شرکت نداشته باشم.

برای شروع کار تبلیغی یک طلبه چه پیشنهادی دارید؟
به نظرم باید قبل از شروع کار تبلیغی یک طلبه ابتدا تقویash
را تقویت کند و در انجام واجبات و ترک محramat مصراً باشد
تا مصدق این آیه نباشد که: "لَمْ تَقُولُنَّ مَا لَا تَفْعَلُونَ" یا به
فرموده بزرگی که منتظر مصلح خود باید صالح باشد. من که
موفق به این تقویت شده ام ولی از طلبه ها میخواهم برای موقوفیت
در کار تبلیغ اول رابطه خود را با خدا اصلاح کند تا طبق آن
حدیث معصوم (علیه السلام) خداوند هم رابطه آنان را با مردم
اصلاح کند و سخنانشان را بر زوایای جانشان بشناساند و کار
دوم یک طلبه مطالعات تفسیری و روایی، و کتب شهید مطهری
ونهج البلاغه است. هر چه بیشتر مطالعه باشد راحتی کار تبلیغ
برای یک مبلغ بیشتر است. خلاصه در کنار دروس عادی
طلبگی برای تبلیغ باید وقت گذاشت تا ذخیره اطلاعاتی
ذهن بالا رود، بزرگی فرمود از همان آغاز مطالعات، چند
دفتر بنام های مختلف مثلاً دفتر نکات اخلاقی، دفتر نکات
تفسیری، دفتر نکات روایی جالب، یا دفتر اندرزهای خاص
هر معصوم قرار داده شود تا در طی مطالعات به هر نکته
جالب توجهی که رسیدیم آن را یادداشت کنیم و بعد این
دفاتر سرمايه عظیمي برای تبلیغ خواهد بود.



دانشگاه
علمی و فنی
جمهوری اسلامی
جمهوری اسلامی



نیست، که ای کاش قدرشان را در لحظه لحظه زندگی بدانیم و از آنها مدد بخواهیم که هر لحظه به ما عتیت داشته باشند و در سختی ها به ما مدد برسانند و در میان آنان امام زنده و حاضرمان که جان عالمی به فدایش، اگر مدال نوکری اش را بر دو شمان نهد یک کرشمه مهدوی اش را به دو عالم ندهیم ان اشا الله.

در آخر چه توصیه ای به طلبه هادارد؟

"ان اکرمکم عنده الله اتفیکم" قبل از طلبه شدن خداوند از ما با تقدوا شدن را خواسته. یک طلبه بی تقدوا به درد امام زمانش نمی خورد چون این چیزی است که به طلبه ارزش می بخشد و او را مفید و موثر می کند. از طرفی در جامعه امروز که برخی این قشر را به هر نحوی مورد آزار قرار می دهند یک طلبه باید مجهز به سلاح حلم و برباری باشد همانطور که امامان معصوم علیهم السلام در برخورد با افراد تند و جاهل از خودشان صبر نشان می دادند و به این شکل انان را جذب خود می کردند.

نکته بعد داشتن مناجاتهای روزانه و شبانه با خداوند و ائمه مخصوصین تا با این سلاح، روح و جان خود را مصدا کند تا بتواند صفاتی به جانهای خسته و آرده بچشاند. نکته بعد داشتن دغدغه تبلیغ و یادگیری فنون سخنوری و مذاхی و شرکت در کلاسهای مربوطه است. برای یک طلبه بعد از سخنرانی کاری مهمتر از مذاخی نیست، به نظر من اگر یک طلبه تقدوا و اخلاص داشته باشد خداوند خودش موقعیت های خوبی برایش ایجاد می کند چرا که می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقَنُ اللَّهَ يَجْعَلُ لَهُ مَغْرِبًا * وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (الطلاق: ۳۲) یعنی از جایی که گمان نمی برد به او روزی می رساند و اگر کسی بر خدا توکل کند برایش کافی است. در پایان از خدا می خواهیم همه ما را به سلاح تقدوا و اخلاص و علم و ایمان مسلح بفرماید و توفیقات مادی و معنوی برهمه مسلمین و شیعیان بیفزاید. و مدال سبز نوکری و سربازی آقا صاحب الزمان روحی فداء را بر دوش تک تک طلبه ها قرار دهد. ان شاء الله

با توجه به جو جامعه و مشکلات خاص بانوان شما چه راهکاری

برای ارتباط مبلغان با بانوان دارید؟

به نظر من اگر مبلغی روی تقدوا و اخلاق قرآنی کار نکرده باشد نمی تواند با هیچ کس ارتباط مناسبی داشته باشد چه برسد به آنکه روی او تاثیر بگذارد. یک مبلغ متقدی، با اخلاق خوب خود در دل هر جمعی از بانوان که قرار می گیرد جا باز می کند و روی آنها اثر می گذارد. و نکته دیگر اینکه در هر جمعی از بانوان که قرار گرفتیم مناسب با مشکلات آن قشر سخن برگوییم تا نیازهای اطلاعاتی شان را در آن برهه از زمان رفع کرده باشیم، بالاترین تقدوا، تقوای زبان است که از خدا می خواهیم این تقدوا را نصیب همه شیعیان و مسلمین و بنده بنماید.

برای پر دنگ شدن نقش طلبه ها در جامعه شما چه

راهکارهایی را پیشهاد می کنید؟

با زهم تکرار می کنم، تقدوا و اخلاق خوب می تواند بالاترین تبلیغ برای طلبگی باشد. چرا که همه افراد خوب بودن و زیبا زندگی کردن را دوست دارند و اگر صاحب این خوبی و زندگی زیبا و آرامش، یک طلبه باشد دوست دارند مثل او طلبه شوند. طلبگی مثل مدرک دانشگاهی نیست و این مسئله حدود ۱۰ سال بیشتر است که کاملا از بین رفته و مدرک ها با هم فرقی ندارند این را بایستی با امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالای تحصیلی برای دختران جوان ذکر کرد.

به نظر شما یک طلبه چگونه می تواند هم در زندگی شخصی

و هم در تحصیل و تبلیغ موفق باشد؟

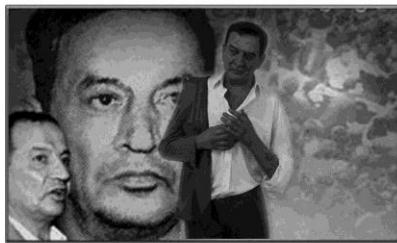
با قوی کردن ارتباط با اهل ایت و مذاخی برای آنها و مجلس گرفتن به نام آنان و خواستن از آنها که بین ما و خدای واسطه شوند تا بتوانیم این وظیفه ها را به نحو احسن انجام دهیم؛ شاید به نظر حقیر اگر اهل ایت نبودند ما بیچاره دو عالم بودیم و این لطف خدابر ماست. همانطور که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم "وَمَنْ عَلَيْنَا بَكُمْ" یعنی به خاطر شما خداوند بر ما منت گذاشت. اگر قرآن را بخواهید در آنجا خداوند بخاطر بعثت پیامبر بر سر ما منت می گذارد که می فرماید خداوند منت دارد بر مومنان که رسولی میان آنان برانگیخت و بعد از پیامبر وجود مقدس مخصوصین علیهم السلام بر ما منت می نهند. معلوم است نعمتی بلا این بر ما

حرث انقلاب اسلامی



محمد رضا پهلوی بود و حتی از شاه، یک طپانچه هدیه گرفته بود.

با این حال، او را «حوّا خوانند؛ زیرا در دل عشق حسین علیه السلام داشت و سرانجام از لشگر بیزید، به بیرق امام حسین پناه بردا و در اوآخر سال ۴۱، دچار تحولی درونی شد و دوستان و آشناشان، بارها از او شنیدند که می گفت: «خدایا پاکم کن، خاکم کن!»



از تاریکی تانور

دوران شاهنشاهی، دوران سیاهی و تباہی و ظلمت بود و طبعاً چشمان انسان در چنین شرایطی، حقایق عالم را آن گونه که هست، نمی بیند؛ از این رو، اخلاق ناهمگون با تعالیم اسلامی، مشخصه اصلی جوانان و مردم آن زمان بود. طیب نیز، چنین بود و تفاوتی با دیگران نداشت؛ اما ویژگی هایی داشت که در نهایت، موجب عاقبت به خیری او شد. مهم ترین ویژگی مرحوم طیب، عشق و علاقه وی به سalar و سرور شهیدان، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود و این محبت، روحش را تیریز طیب و طاهر گردانید.

چرا «شعبان جعفری» در آمریکا و در اوج ذلت و غربت، از دنیا رفت و «طیب حاج رضایی» با مقام پر افتخار شهادت، رخت از این دنیا بر بست؟ اختلاف این دو در ادب و فواداری به اهل بیت علیهم السلام بود. اگر طیب، تهمت دریافت پول از امام خمینی رحمه الله علیه را می پذیرفت، نه تنها جان خود را از دست نمی داد، که نزد شاه نیز اعتبار بیشتری کسب می نمود؛ اما او با شهامت گفت: «من حاضر نیستم به پسر حسین علیه السلام تهمت بزنم».

یاران امام خمینی رحمه الله علیه، از تمام اقشار مردم بودند؛ با خصوصیات گوناگون و از طبقه های مختلف. از انسان های مؤمن و پاک باخنه ای که از ابتدا به اندیشه برقراری حکومت دینی بودند و یا روحانیونی که سال های سال، برای افشاء ماهیت ضد دینی رژیم شاهنشاهی تلاش کرده بودند تا معلمان، دانشجویان، داشگاهیان، پزشکان، مهندسان و همه و همه افرادی که مؤمنانه به اسلام، عشق می ورزیدند.

اما این ها تمام ملت نبودند. نهضت خمینی (ره) توانست همه ملت را هم گام کند؛ حتی کسانی را که از پیشنهای خوبی برخوردار نبوده و چه بسا، برای برقراری رژیم شاهنشاهی، تلاش ها کرده بودند و خود از تقویت کنندگان پایه های رژیم شاهنشاهی محسوب می شدند. دریای ایمان خمینی رحمه الله علیه، افرادی را که به دلیل فضای عمومی فساد زمانه، در فسق و فجور، گرفتار شده بودند، غسل توبه داد. چه بسیار از آنان، که ناگهان مت حول شدند و با توبه نصوح خویش، به اوج شرف و انسانیت، دست یافتند. و این هنر کیمیاگری خمینی بود.

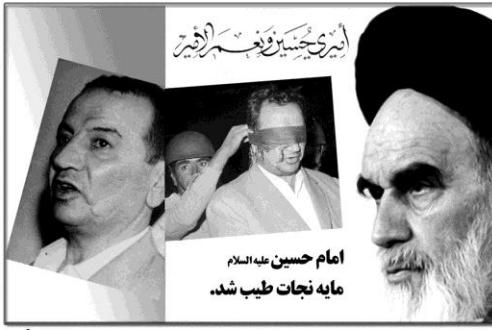
امام صادق علیه السلام، فرموده است: «الحرُّ، حرُّ على جميع أحواله...»؛ «انسان آزاده» در همه حال، آزاده است. (هر گاه پتک ایام بر او ضربه ای فرود آرد، سر را سندان صبوری کند و اگر با هر ضربه ای، انبوه مصابیت نیز هجوم آرند، هر گریش نشکنند؛ هر چند، او را به بند کشند؛ به بیچارگی کشانند؛ راحتی از اورخت بریندد و روز گار بر او سخت گیرد».

بارها به جرم چاقو کشی به زندان افتاده بود و یک بار هم به بندرعباس تبعید شده بود. در مراسم جشن تولد پسر محمد رضا پهلوی، تمام چهار راه مولوی را تاشوش، فرش کرد و طاق نصرت بست. به دلیل اقداماتی که در ۲۸ مرداد به نفع تاج و تخت انجام داد، همواره مورد توجه





مناسبی صحبت شد و اسم
شما وسط آمد. بچه ها
گفتند که این دسته ای که
روز عاشورا مامی خواهیم
راه بیندازیم ممکن است
این های باید و نگذارند و به
هم بزنند. آقا (امام خمینی)
گفت: «نه، اینها علاقه مند



به اسلام هستند و این ها هم اگر یک روزی، یک کارهایی
کرده اند، آن [بر اساس] عرق دینیشان بوده [است] و به
حساب توده ای ها و کمونیست ها و این ها آمده اند یک
کارهایی کرده اند.^[۳] این ها کسانی هستند که نوکر امام
حسین -علیه السلام- هستند و در عرض سال، همه فکر شان
این است که محرمی بشود، عاشورایی بشود [تا] به عشق امام
حسین -علیه السلام- سینه بزنند؛ خرج بکنند؛ چه بکنند و از
این حرف ها. خاطر جمع باشید».

مرحوم طیب این صحبت ها را که شنید، جواب داد:
«این ها (ساواک) عید هم از مامی خواستند استفاده بکنند
(در جریان مدرسهٔ فیضیه). شما خاطر جمع باشید که این ها
تا حالا چندین بار سراغ ما آمده اند و ما جواب رده آنها داده
ایم. حالا هم همین جور است». بعد، همان جا دست کرد و
یک صد تومانی به اصغر -پسرش- داد و گفت: «می روی
عکس حاج آقارامی خری و می بروی توی تکیه و به علامت ها
می ذنی».

در زمانی که بردن نام امام، مجازات سختی در پی داشت،
مشخص است که بالا بردن تمثال ایشان در بین جمیعت، چه
عواقبی می تواند داشته باشد؛ اما طیب به دلیل ارادت به امام
خمینی رحمة الله عليه و روحانیون، اقدام به نصب عکس امام
بر روی علم هیئت خود نمود. در واقع، پیام امام خمینی رحمة
الله عليه - که از طریق حاج مهدی عراقی به گوش طیب
رسید - او را دچار چنان تحول روحی نمود که دست از جان
شست و برای دفاع از امام و اسلام به میدان آمد.

ویژگی خاص مرحوم طیب که
همه دوستانش بر آن متفق بودند،
انسانیت و لوطی گری او بود؛ به
گونه ای که وقتی به شهادت رسید،
خانواده های بسیاری که تحت
سرپرستی او بودند، دچار مشکل
شدند.

دسته طیب بزرگترین دسته

عزادری در تهران بود. دسته سینه زنی او در شوش و خراسان
حرکت می کرد و خود او، بالباس مشکی و سر و صورتی
خاک آسود و گل مالی شده، در میان مردم به راه می افتاد و
آنان را اطعم می نمود. او علاوه بر عزاداری در ماه محرم، در
هیأت خود، از یک معلم برای آموزش احکام و زبان عربی
نیز استفاده می کرد.

طیب در آن دوران، اگرچه با روحانیت، ارتباط چندانی
نداشت؛ اما احترام خاصی برای ایشان قائل بود. در گزارش
های ساواک، درباره رفت و آمد طیب با آیت الله کاشانی -
که در آن زمان، در انزوا به سر می برد - چنین آمده است:
«طیب حاج رضایی، چهار صندوق میوه به منزل آیت الله
کاشانی برد»^[۱]. «چندی است که طیب حاج رضایی، تغیر
لحن داده و با طرفداران آیت الله کاشانی طرح دوستی ریخه
است»^[۲].

بنابراین رفتار و شخصیت مرحوم طیب به کلی با افراد بی
قیدی، چون شعبان جعفری - که برای جلب نظر شاه، تن به
هر کاری می دادند - تفاوت داشت. او به اسلام، علاقه مند
بود و جوانمردی و شجاعت را از سردار کربلا آموخته بود.
اما به اشتباه، ایران دوستی را با شاه دوستی همراه می دید و بر
همین اساس، در جهت تقویت سلطنت تلاش می کرد؛ تا آن
که تحولی عجیب، در او رخ داد...

تحول روحی طیب

شهید عراقی، خاطره جالی درباره علت تحول طیب، نقل
می کرد. وی می گفت: «برای دیدن مرحوم طیب، رفیم و
گفتم که ما منزل آقا (امام خمینی ره) بودیم. آن جا به



طیب در شب عاشورا

در خرداد سال ۱۳۴۲ شمسی - که با محرم ۱۳۸۳ قمری مطابق شده بود - امام خمینی رحمه الله عليه به دلیل اعتراض به کاپیتولاسیون در زندان به سر می برد. در نوروز همان سال، فاجعه فیضیه و کشتار طلاب اتفاق افتاده بود و در کل، فضای جامعه، آماده انفجار بود. طیب مانند هر سال، دسته عزاداری خود را در خیابان حرکت داد و خود، پیش اپیش آن به سرو سینه می زد؛ اما عالم دسته با هر سال، تفاوت داشت.

مرحوم حاج رضا حداد عادل، در این رابطه می گوید: «دسته طیب، شب عاشورا - دوازده خرداد - طبق معمول همه سال، از تکیه بیرون آمد. طیب در جلوی علامت تکیه، در حرکت بود و سینه زن ها پشت سرش، آرام آرام حرکت می کردند. آن شب برخلاف سال های قبل، عکس های حضرت امام به سینه علامت، نصب بود. اتو میبل دربار کنار خیابان ایستاد. رسول پرویزی - معاون اسدالله علم، نخست وزیر دربار - پیاده شد و سریعاً جلوی طیب آمد و پس از سلام گفت: «طیب خان! این کاری که کرده ای، کار درستی نیست. آن عکس ها را بردار». طیب گفت: «من عکس ها را بر نمی دارم». پرویزی گفت: «طیب خان! بدجوری می شود». طیب با متانت و وقاری که مخصوص خودش بود، خیلی صریح گفت: «بسود». پرویزی به اتو میبل - که اسدالله علم داخل آن بود - برگشت. علم مجدها پیغام دیگری به پرویزی داد. او دوباره پیاده شد و با طیب صحبت کرد و گفت عکس های امام را بردارد؛ اما طیب باز هم مقاومت کرد. همه اینها در حالی اتفاق افتاد که سینه زن ها پشت سر علامت، جلو می آمدند. پرویزی گفت: «طیب خان! دارم به تو می گویم بد می شود». طیب گفت: «می خواهم بد شود! عکس ها را بر نمی دارم». پرویزی با عصبا نیت رفت و سوار اتو میبل شد. اتو میبل با یک چرخش سریع، از راهی که آمده بود، برگشت و دسته با عالماتی که عکس های حضرت امام به آن نصب بود، حرکت کرد».



مرحوم طیب در ۱۵ خرداد

در روز ۱۵ خرداد، طیب با تعطیل کردن میدان بار فروش ها، موجب شد که تظاهرات، با شور بیشتری صورت گیرد و تأثیر بیشتری نیز داشته باشد. شهید عراقی، در این باره می گفت: «رژیم از طیب توقع داشت که حداقل، جلوی این تظاهرات را در داخل میدان بگیرد. ولی طیب این کار را نمی کند. وقتی او را می گیرند و می برند، از او می خواهند یک فرم را امضا کند و آزاد شود. تقریباً مسئله [و مضمون آن فرم] این بوده که آقای خمینی، یک پولی به من داده که بایام هم چنین حادثه ای را خلق نکنم و من هم آمده ام، مثلاً یک ۲۵ زار (ریال) داده ام و مردم، این کاره را کرده اند. وقتی میگذارند و می گویند این حرف را بزن، قبول نمی کنند. نصیری تهدیدش می کند و این هم به نصیری فحش می دهد!».

سید تقی در چه ای نیز می گوید: «او را شکنجه کردن و گفتند بگو از خمینی پول گرفته ام و این غایله را راه اندخته ام. [اما او در عوض] گفته بود: «من عمر خودم را کوده ام؛ بنابراین حاضر نیستم در پایان عمر خود، به کسی که جانشین ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مرجع تقليد هم هست، تهمت بزنم. من به امام حسین - علیه السلام - و دستگاه او، خیانت نمی کنم».

آقای ملکی - که از اهالی شهر ری و پدر دو شهید است و هم زمان با مرحوم طیب، زندانی بود - می گفت: «زندانی هارا به صفت کرده بودند و به مرحوم طیب، دست بند قپونی زده بودند. به این ترتیب که یک دست از عقب و یک دست هم از روی شانه می آید و دو تا مچ را از پشت سر با چیزی به هم می بندند و مثل ساعت کوک می کنند و دو دست، تحت فشار قرار می گیرد و استخوان سینه، بیرون می زند. عرق از بدن مرحوم طیب می ریخت و اورا از جلوی ما عبور





سازمان اسناد انقلاب اسلامی

تأثیر اعدام طیب بر جامعه

خبر اعدام طیب و حاج اسماعیل رضایی، بسیار پر سرو صدا در روزنامه ها به چاپ رسید. رژیم، به این وسیله می خواست از مخالفین خود، زهر چشم بگیرد؛ اما همین مسئله، درست بر ضد رژیم تمام شد. چنانچه در گزارش های ساواک از تشکیل مراسم ختم و یادبود متعدد برای این دو شهید و تأثیر منفی اعدام آن ها در اذهان عمومی، متون زیادی وجود دارد. محبویت آن دو پس از شهادت، به قدری بالا رفت که ساواک، مجبور شد با پخش شب نامه هایی، به مخدوش کردن چهره آن ها پردازد؛ اما این مسئله، تأثیری بر ارادت مردم به حرّ انقلاب نداشت.

سید تقی درجه ای نقل می کند: «در شب اول شهادت طیب، در تمام کتابخانه های عمومی قم، مثل مسجد اعظم، کتابخانه فیضیه، کتابخانه حضرت مصوصه علیها السلام و کتابخانه های دیگری که دایر بود، پائزده هزار نفر از روحانیون، برای مرحوم طیب و حاج اسماعیل رضایی نماز و حشت خواندند. من فکر نمی کنم برای هیچ آیت الله‌ی، در شب اول قبر، پائزده هزار نماز و حشت خوانده شده باشد».

شهید طیب حاج رضایی در وصیت نامه خود، در خواست کرده بود که در حرم حضرت عبدالعظیم، دفن شود و علت آن را نزدیکی شرافت این مکان با شرافت کربلا بیان کرده بود؛ که:

«من زاد عبدالعظیم بروی کمن زاد حسین بکربلا».

او هم چنین، نسبت به دعای کمیل، اظهار علاقه کرده بود و خواسته بود که برایش، دعای کمیل بخوانند و در آخر، گفته بود: «رضیت بالله ربی...» (راضیم به این که الله، خدای من است) و این، وصف شهیدان راه خداست: «رضی الله عنهم و رضو عنه»؛ آنها از پروردگارشان رضایت دارند و خدا نیز از آنها راضی است». امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به حرّ فرمود: «ای حر ! تو آزاده ای؛ همان گونه که مادرت تو را حر نامید». طیب نیز پاکیزه از این جهان، رخت بر بست؛ همان گونه که مادرش او را طیب نامید...

می دادند تاما عبرت بگیریم، مرحوم طیب، تمام این سخنی ها را به جان خرید؛ ولی حاضر نشد بگوید از امام خمینی بول گرفته است».



طیب به دلیل طرفداری از امام خمینی رحمة الله عليه به زندان افتاد؛ به همین دلیل مورد توجه محافل مذهبی و روحانیون قرار گرفت. حتی امام خمینی رحمة الله عليه نیز به مرحوم طیب توجه داشت. شهید عراقی در خاطرات خود می گوید: «روز قبل از این که می خواستند حکم اعدام را درباره طیب، صادر کنند، آقای خمینی از زندان عشرت آباد به خانه روغنی، منتقل شد. در آن جا تحت نظر بود و دور و برش، ساواکی ها بودند. خانواده طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی، با ترفندی خود را به منزل امام رساندند. هم حاج اسماعیل و هم طیب، بهجه کوچک داشتند. آقا این دو بجهه را بلند کرد؛ روی دو پا نشاند و دستی روی سرو روی آن ها کشید و دعایشان کرد. بعد گفت: «من تا حالا از این ها (ساواک)، چیزی نخواسته ام؛ اما برای دفاع از جان این دونفر، می فرستم عقیشان بیانند و از آن هامی خواهم که این ها رانکشدند». این ها (خانواده طیب و حاج اسماعیل رضایی) خوشحال شدند و از خانه بیرون آمدند. به فاصله یک ربع [تا] بیست دقیقه [بعد]، آقا پیغام داد: «به پاکروان (رئیس ساواک) بگویید بیاند؛ من کارش دارم». پاکروان [که علت احضار خود را می دانست]، آن روز، خودش را نشان نداد. هر چقدر هم، آقا داد و بی داد کرد، گفتند: «ما [پیغام] فرستادیم؛ نبوده [است]». فردا صبح هم طیب را اعدام کردند. صبح اول وقت که طیب تیرباران شد، پاکروان، نزد آقا آمد. آقا [هم، با عصبانیت] گفت: «پاشو برو».



وظایف و رسالت‌های زن منتظر

نسل مهدوی و مقدمه سازی ظهور عمل نماید که اصالت خانواده و نقش همسری و مادری خود را حفظ نموده و نسبت به فراگیری و عمل به ساز و کارها و مهارت‌های تربیت خانواده‌ای مهدوی کوشاند.

در حوزه اجتماعی زنان منتظر، دارای رسالت‌های خطیری هستند. آنچه که یک زن منتظر برای حضور یاری گرانه خویش در عرصه‌های فرهنگ و اجتماعی به منظور زمینه سازی ظهور می‌باشد انجام دهد، متوقف بر آن است که آشنایی کافی با اجتماع و جایگاه خویش در عرصه‌های مختلف اجتماعی داشته باشد و وظایفی را که نسبت به جامعه و افراد آن دارد به خوبی شناسایی و به نیت و امید یاری امام زمان _ ارواحنا فداء _ به آنها جامه عمل پیوشنند.

در این شماره تحقیق پایانی خانم "بهادرک بهرامی" را معرفی می‌کنیم. این تحقیق از مقدمه و پنج فصل تشکیل شده است. فصل اول کلیات را تشکیل می‌دهد. فصل دوم سیمای زن منتظر به عنوان یک مکلف بیان شده است. در فصل سوم وظایف فردی زن منتظر و در فصل چهارم رسالت‌های خانوادگی وی و در فصل پنجم رسالت‌های اجتماعی زن منتظر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در چکیده این پایان نامه آمده است:

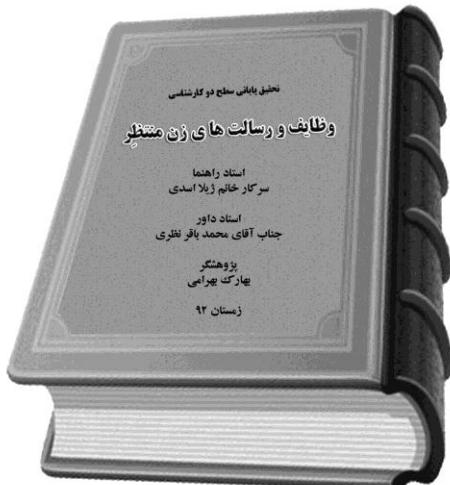
در عصر غیبت که دوره پنهان زیستی امام زمان _ ارواحنا فداء _ است، معتقدان به مهدویت برای زمینه سازی و نیل به جامعه موعود جهانی، دارای رسالت‌ها و مسئولیت‌های خطیری هستند که با پای بنده و اجرای آنها می‌توانند زمینه ساز ظهور آن حضرت باشند.

در این میان نقش زنان که تقریباً نیمی از جمعیت بشر را به خود اختصاص داده اند، نقش مهم و تاثیرگذاری است.

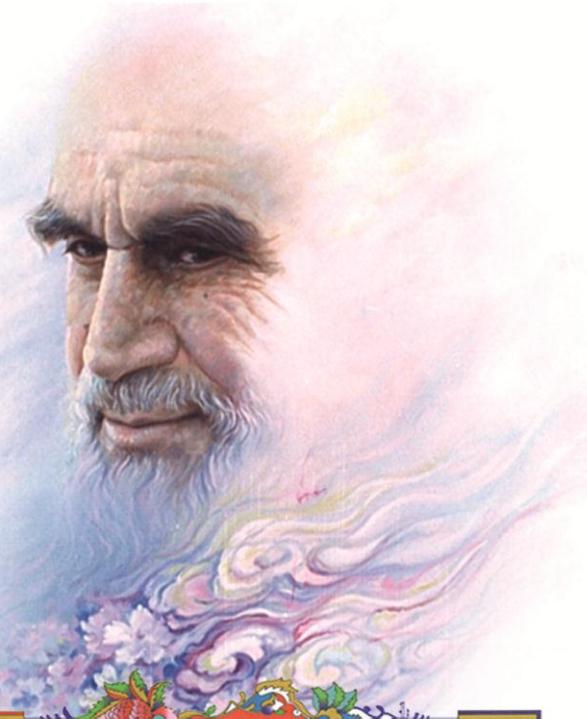
زن منتظر باید مراحل و شرایط انتظار و زمینه سازی ظهور را به خوبی بشناسد و فرا بگیرد تا بتواند به بهترین نحو ممکن به آنها عمل کند و جزء منتظران واقعی و راستین مولایمان باشد.

زن منتظر با پاک سازی روح و روان خود از پلیدی های اخلاقی و مزین شدن به شاخصه‌های نیک و با شناخت دین و دین داری کامل نسبت به امام و مقتدای خود، آمادگی لازم جهت یاری رساندن به امام زمان را پیدا می‌کنند.

زن منتظر زمانی می‌تواند با رسالت خود در تربیت



الْحَمْدُ لِلّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ



«قیام لله» شکست ندارد

امیدوارم که ما همه با آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب سلام الله عليه برای ما تعیین فرموده‌اند عمل کنیم و صورتها را محتوای واقعی بدھیم، و الفاظ را معانی حقیقی بالاترین قیام همان قیام آن شخص واحد است و همه قیامها باید دنبال آن قیام باشد؛ و قیام «الله» باشد. خدای تبار ک و تعالی می‌فرماید که من فقط یک موقعه دارم به شما: قل إنما أَعْظُمُ بِواحِدَةٍ. به امت بگو که فقط من یک موقعه دارم به شما، و آن موقعه این است که قیام کنید، و قیام «الله» باشد؛ «قیام لله» کنید. البته آن حضرت (صاحب الزمان)، قیام الله می‌فرمایند؛ و آن خلوصی که برای ایشان هست، برای دیگران نیست لکن شیعه‌های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند «الله»، برای خدا؛ که اگر قیام برای خدا باشد، اگر عمل برای خدا باشد اگر نهضت برای خدا باشد، شکست ندارد. برای اینکه آن چیزی که برای خدا هست اگر در صورت هم خیال بشود که شکست خورد، به حسب واقع شکست نخورده است. حضرت امیر - سلام الله عليه - با معاویه جنگ کردند و شکست خوردن لکن شکست نبود. این شکست صوری، شکست حقیقی نبود؛ چون قیام الله بود، قیام الله، این شکست ندارد. تا امروز هم او غالب است،

تا ابد هم او غالب است

صحیفه امام خمینی(ره) جلد ۸

إله العزة صاحب طيبة
روح الله
عليكم السلام يا

قیام خونین



خرداد